

جهت خرید فایل word به سایت www.kandooon.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

جهانی سازی

۹

رابطه عملکرد دولتی

بانک جهانی، اعتبار و تجارت

مقدمه

حمایت فعال انسیتوهای غربی (نظیر بانک جهانی، ناتو، صندوق بین المللی پول، سازمان تجارت جهانی، سازمان ملل) بسیاری از شرکتهای سرمایه گذار را قادر به گذر از محدودیتهای متعارف منطقه ای و بصورت تجارت جهانی شدن می سازد. جهانی سازی تجارت سؤالاتی را پیرامون نظم اجتماعی، نظارت و تعهد شرکتهای هم در قالب ملی و هم بین المللی مطرح می سازد. تجارت جهانی معمولی هم نیازمند چارچوبهایی برای ایجاد و جلب اطمینان است. یکی از واکنش ها از سوی دول غربی بر تکیه قابل توجه بر تکنولوژیهای محاسباتی جهت نظم بخشیدن به شرکتهای تجاری و غیر تجاری محلی و جهانی متمرکزست (انجمن حسابرسی ۱۹۹۰ و ۱۹۸۹، 1993، Willmott et al 1992، Zeff and Moonitz 1984، 1994 Preston، Arnold 1991، Chua و Power، انجمن حسابرسی ۱۹۹۴، و ۱۹۹۸ Sikka). انتظار می رود بازتاب برتری تکنولوژیهای مشابه غربی هم از سوی کشورهای در حال توسعه حتی اگر آنها تأثیر مستقیمی بر فرآیند تغییر حسابداری در کشورهای صنعتی غرب نداشته یا این تأثیر اندک باشد پذیرفته شود (۱۹۸۹ Hopwood). بسیاری از اندیشه های حسابداری هم از سوی شرکتهای عمده

حسابداری که ناظران را به این باور که آنها شرکتهای جهانی بوده و از اینرو امکان (جلب) اعتماد، برتری و تنظیم شرکتهای بین المللی را از طریق حسابرسی های خارجی فراهم می سازند تشویق می نمایند گسترش یافته است (Hanlon, ۱۹۹۴). چنین پیشرفتهایی هم فرصتهای کسب دستمزد را برای شرکتهای عمده حسابداری گسترش می دهد.

در حالیکه شک و تردیدهای قابل توجهی پیرامون ضرورت اجتماعی جلب اعتماد بر نظارت از طریق حسابرسی های مالی مورد تأکید بوده است (مثل ۱۹۹۴, Power), چیزهای اندکی در مورد تکیه بر حسابرسی برای تنظیم تجارت جهانی شناخته شده است. هر پرسشی از تعامل میان نظم تجارت در حال حسابرسی و یک کشور در بافت بین المللی نیازمند توجه به این سؤال است که چطور جهانی سازی قدرت قانونی افراد جامعه را تحت تأثیر قرار می دهد.

روی جلد مجلاتی نظیر نیوزویک (۲۶ ژوئن ۱۹۹۵), بوضوح نشان می دهد که کشور در حال تباه شدن بوده و تجارت جهانی متعهد تلقی می شود. نظر متنقد و تعیین کننده اینست که در اقتصاد جهانی شده, افراد نقش بیشتری دارند (۱۹۹۵ Ohmae صفحه ۱۲).

مدرکشان از حوزه مالی ارائه می شود که "پول" فاقد هویت ملی تلقی شده و بطور نسبی در دنیای بدون مرز پرسه می زند. معهدا، منتقدان تیز جهانی سازی (۱۹۹۴) Kapstein و (۱۹۹۶, Thompson و Zeuin 1992 Hilst) به رابطه نزدیک میان ملت توجه کرده و بحث می کنند که ملت (کشور) و خصوصاً اکثر کشورهای قدرتمند صنعتی، کار گزاران مهم در نظم بخشیدن به فعالیت مالی بین المللی باقی می ماند. بنابراین از این دیدگاه، سؤال مربوطه این نیست که آیا او توان و قابلیت سیالی انجام اینکار را دارد یا نه (Meiksins Woods, ۱۹۹۷).

چون منابع مالی و بانکی غالباً بعنوان مهمترین مورد بین المللی تمام تجارتها مشخص می شوند (۱۹۸۷, Lash and Urry 1994, Gilpin 1994 Kapstein). بعضی از مسائل (و تنشهای) مرتبط با نظم تجارت جهانی را از طریق تکنولوژیهای حسابرسی با گسترش مطالعه موردی مرتبط با مذاکرات بانک تجارت و اعتبار بین المللی (BCCI)، که بانک جهان سوم در حال کار در بیشتر جوامع غربی است مورد بررسی قرار می دهیم. در زمان مذاکره، BCCI در ۷۳ کشور فعال بوده و ناظرانش بر اعتماد قابل توجه بر حسابرسی مالی از سوی شرکتهای حسابرسی جهانی تکیه نمودند. بررسیها BCCI ما بر آنسوی سؤال از توانایی تکنیکی شرکتهای و مؤسسات حسابرسی و ملتها برای نظم بخشیدن و کنترل بانک جهانی

نگریسته و سؤالاتی از زمان، چگونگی و منافع عملیات رابطه حسابرسی داخلی مدنظر قرار دارد.

این مقاله (متن) از چهار فصل تشکیل می شود. فصل اول، اساس تئوریک را با مدنظر قراردادن میزانی که با آن میزان جهانی سازی توانایی افراد را برای نظم بخشیدن و کنترل فعالیت اقتصادی و اداره مؤسسات بین المللی ضعیف می سازد ایجاد می کند.

این امر خاطر نشان می سازد که حامیان تیز جهانی سازی، شواهد آماری را برای حمایت از ادعایشان مرتب می نمایند. خصوصاً آنها بیان می دارند که حوزه منابع مالی افراد از طریق افراد قابل تنظیم نیست. تیز جهانی سازی بر زمینه های تاریخی مورد اعتراض قرار می گیرد. معترضان (Fox Priven & Cloward و ۱۹۹۷ , Hirst & Woods 1995 , Meiksins 1998 , DuBoff & Herman 1998 , Thompson 1996 , Greider 1997 1998, (Tabb, 1997 a,b , Gray 1998.

اظهار می دارند که جهانی سازی اقتصادی موجب مهجور شدن ملتها و قوانین ملی و داخلی نمی شود. فصل دوم جزئیاتی از مورد مطالعه ما را در ارتباط با مذاکره بانک اعتباری و تجارت جهانی BCCI از طریق فریب فراهم می سازد. از اینرو بیشتر دولت های غربی نظر به کنترل فعالیت بانکداری با تکیه بر کارکردهای بیرونی حسابرسی (در میان سایر کنترل ها) دارند فصل سوم حسابرسی مرتبط با واکنش

ناظران در ایالت متحده و انگلیس را مورد بررسی قرار می‌دهد. فصل پایانی یافته‌های ما را پیرامون توان ملتها و مؤسسات حسابرسی برای کنترل مؤسسات مالی بین‌المللی و اثرات جهانی سازی بر رابطه حرفه‌ای دولتی مورد بررسی قرار می‌دهد. اظهار می‌داریم که درحالی‌که مذاکره از BCCI بعنوان نمونه‌ای از ظرفیت تکنیکی قدرتهای اقتصادی غربی برای کمک به مؤسسات حسابرسی برای برقراری انضباط برای بانک جهانی ثالث است توان و قابلیت سیاسی حسابرسی - داخلی برای حفظ منفعت جامعه در قوانین بانک جهانی با پروسه‌های حکومت که بصورت سری بوده و آنسوی کسب خط مشی‌های (دموکراتیک قرار دارند محدود باقی می‌ماند.

چشم انداز جهانی سازی

جهانی سازی یک اصطلاح تقریباً کلی و همگانی است که ترکیبی از نوعی مباحث نظارتی، ایدئولوژیکی و سیاسی است. جهانی سازی مفاهیم قدیمی تری نظیر فرا ملی کردن، کاپیتالیسم جهانی، سیستم‌های جهانی و دهکده جهانی را تغییر داده و تضعیف می‌کند (به مورد 1995 Waters , Robertson و 1998 Khondler مراجعه کنید). جهانی سازی به فرآیندهایی منسوبست که از طریق آن وقایع و تصمیماتی نظیر تصمیمات مرتبط با تعطیلی بانک در یک نقطه از دنیا که می‌تواند

اثرات چشمگیری بر افراد و جوامع در بخشهای دوردست دنیا داشته باشد. در این حالت، جهانی سازی از ارتباط افراد و جوامع مهمتر بوده و درگیر آرایش جدید ژرف زمانی و مکانیست (گیدنز ۱۹۹۰ صفحه ۱۴)، فرآیندی که با حالات ارتباطی نوری و آنی و ستمهایی جهانی پیچیده تولید و مبادله تسهیل می شود.

تشدید جهانی سازی در موارد مالی جاییکه با کمک تکنولوژی اطلاعات تغییرات، بازارهای جهانی سهام، بانکداری، سلف (معاملات آینده، بدهی و قرض، مشتقات، نرخ جاری و نرخ بهره، تغییر پذیری جغرافیایی تشکیل سرمایه را برای اولین بار متعهد بسر می دهند یعنی بازار ساده پول و عرضه و ارائه اعتبار را شتاب دهند، واضحترین مورد است.

آمارهای مالی مرتبط با منابع مالی و بانکداری به ارائه حمایت شدید از تز جهانی سازی ادامه می دهند. آنطور که فریدن می گوید "در آوریل سال ۱۹۸۹، ارزش خارجی در حال داد و ستد در مراکز مالی جهانی بطور متوسط در حدود ۶۵۰ بیلیون دلار در روز بود که تقریباً معادل ۵۰۰ میلیون دلار در دقیقه و چهل برابر میزان تجارت جهانی روزانه است. وب (Webb) عنوان می کند که معاملات مالی بر بیش از دو برابر میزان دارایی خارجی اندوخته بانکهای مرکزی آمریکا، ژاپن و انگلیس در کل یک ماه است. (ساسن 1996 Sassen) عنوان می کند که پس از

سال ۱۹۸۰، کل میزان دارائیهای مالی دو نیم برابر بیشتر از GDP ی کلی تمام اقتصادهای غنی صنعتی بوده است. و حجم تجارت بصورت نقدی، اوراق قرضه و سهام عادی پنج برابر سریعتر رشد کرده است. اولین مورد برای جهانی سازی و امروزه سریعترین مورد و در بسیاری از روشها تنها بازار جهانی بازار ارز خارجی است. معاملات ارزهای خارجی در جهان در سال ۱۹۸۳ ده برابر بیشتر شده است، تنها ده سال بعد در سال ۱۹۹۲، معاملات ارزهای خارجی شصت برابر گردیده است (صفحه ۴۰).

بین دوره های ۱۹۷۵ و ۱۹۹۰، وام بانک جهانی از ۴۰ بلیون دلار به ۳۰۰ بلیون دلار افزایش یافته و تعداد بانکهای خارجی در حال کار در لندن از ۲۰۰ (واحد) در دهه ۱۹۷۰ به بیش از دو برابر یعنی بیش از ۵۰۰ (واحد) در سال ۱۹۹۰ رسیده است. اکنون شعبه های بانکی واقع در خارج از کشور قسمت اعظم درآمدهای بیشتر بانکها را حساب می کنند. (Kapstein 1994) صفحه ۴. ۶ تریلیون دلار از مرزهای داخلی بیرون رفته و در بنا در ساحلی مختلف جای داده می شود (دفتر کنترل دارایی و جلوگیری از جرم سازمان ملل متحد ۱۹۹۸)، بنابراین از قدرت ملتهای مستقل برای تنظیم جریانهای مالی سؤال می شود.

میزان فعالیت مالی آنقدر وسیع است که هیچ دولتی بتهایی قادر به کنترل کارآمد این سیستم نیست، نکته ای که با وجود اجبار در سال ۱۹۹۲ انگلیس برای مکاسیم نرخ ارز اروپایی (Hutton 1999) مورد تأکید قرار گرفت. از این منظر در مورد جهانی سازی، بانک بین المللی اعتبار و تجارت BCCI، مظهر بانک جهانی نمونه غیرقابل کنترل است، نمونه ای که در گستره ای وسیع از موقعیتی بین المللی میان موقعیتهای نظارتی مختلف برای عدم کنترل هر نوع رژیم نظارتی داخلی در نوسان است.

هر سؤالی از کنترل حرکات مالی جهانی باید به پروسه های جهانی سازی که خود محصول فاکتورهای سیاسی ای هستند که ثبات و امنیت لازم برای حفظ رابطه رو به گسترش میان افراد را فراهم می سازند توجه داشته باشد. در یک سیستم جهانی از کشورهایی که تمام افراد کشور بخودی خود مستقل تلقی می شوند، وجود ثبات و اطمینان جهانی با تمرین قدرت از طریق کشورهای برتر در عرصه بین الملل ممکن می شود. آنطور که گیلپین آنرا بیان می کند... برتری برای وجود اقتصاد آزاد جهانی ضرورت دارد... گسترش و موفقیت بازار در دوره اقتصاد مدرن در حال هماهنگی بدون محیط مطلوب فراهم آمده با قدرت برتر آزاد بوقوع نمی پیوندد.

به لحاظ تاریخی، جهانی سازی با سیاست استعماری و محرکهای گسترشی مرتبط بوده، شدت اخیر جهانی سازی غالباً بعنوان مورد حمایت شده تلقی شده و با قدرتهای غربی و مؤسسات مالی کنترل می شود. گرچه گیدنز نتیجه می گیرد که جهانی سازی غربی نبوده و آنرا تسلط و کنترل روبه زوال غرب بر بقیه دنیا می داند، سایرین اظهار می دارند که جهانی سازی مستلزم استقرار همگانی تئوری ها و جهان بینی های اخلاقی، عقلانی غربی است.

در اقتصاد جهانی که در آن سرمایه و مال می تواند براحتی در مرزهای داخلی جریان یابد، تفاوت های معمول میان مسائل داخلی و خارجی ضعیف شده است. چنین رشد و گسترشی بعضی ها را به تجلیل از هدف ملت قادر می سازد (Ohmae, 1995) و اظهار می دارد که ملتها دیگر مالک خود مختارتی لازم برای تعقیب استراتژیهای مستقل تلقی نمی شوند (Ohmae, 1995). از این جنبه، حامیان تز جهانی سازی، سناریوی کمک نسبی را ارائه کرده و به تشویق پذیرش ناب ترین اشکال اقتصاد آزاد و راه حلهای بازار آزاد می پردازند.

ادعاهای فوق در زمینه های درجات غیرطبیعی، استخراج از تاریخ و جغرافیا مورد اعتراض واقع می شود. شک اندیشان ابراز می دارند که جهانی سازی صرف وجود نداشته و اینکه اشکال اخیر جهانی سازی نتیجه سیاستها و خط مشی های دنبال

شده توسط مردمی است که به داشتن قابلیت تکنیکی برای کنترل منابع مالی جهانی ادامه می دهند.

در میان شک اندیشان، هرست و تامپسون تز جهانی سازی را مورد اعتراض قرار می دهند تزی که آنها هم اظهار می دارند که میزان اثربخشی و سودمندی ما در سطح نیروهای اقتصادی معاصر مورد مبالغه قرار گرفته است. این رد و تکذیب براساس اعتراض به شرکای اصلی جهانی سازی است با این بحث که امروزه اقتصاد جهانی شده بی سابقه بوده، اما ترجیحاً در بعضی موارد از رژیمی که از سال ۱۸۷۰ تا ۱۹۱۴ رواج داشته باشد عمومیت و هماهنگی کمتری دارند.

بعلاوه آنها اظهار می دارند که موسسات بین المللی واقعی نسبتاً نادر بوده و اینکه تحرک سرمایه در تغییر گسترده سرمایه و شغل از کشورهای توسعه یافته تا کشورهای در حال توسعه ایجاد نمی شود. والیسن کسی است (Wallace 1996) که اظهار می دارد که ادامه اکثر سرمایه گذاری خارجی TNCs از سرمایه گذاری داخلی اهمیت کمتری دارد. از ۱۰۰ شرکت ممتاز در سال ۱۹۹۳ در دنیا، تنها ۱۸ (شرکت) اکثر دارایی هایشان را خارج از کشورشان نگهداری نمودند. تسلط مسائل داخلی بر تجارت چند ملیتی ادامه دارد. در سال ۱۹۹۳، تولید کنندگان مستقر در آمریکا ۶۷ درصد از تولیداتشان را در بازار داخلی فروختند، گرچه آلمان

و ژاپن ۷۵ درصد و ۶۷ درصد از محصولاتشان را در بازارهای داخل بفروش رساندند. اکثر دارایی ها و فروش TNC خارج از کشورشان به سایر کشورهای اول توسعه یافته جهان و نه کشورهای در حال توسعه صورت می گیرد. در اوائل دهه ۱۹۹۰، سرمایه سهام آمریکا در خارج در مجموع بالغ بر ۷ درصد GNP بوده است، کمی کمتر از مورد سال ۱۹۰۰.

براساس اطلاعاتی که نشان دهنده تجارت، سرمایه گذاری و جریانهای مالی مورد توجه در اروپا، ژاپن و آمریکای شمالی است، هرست و تامپسون (۱۹۹۶) به این نتیجه می رسند که "این قدرتهای اقتصادی، بخصوص اگر آنها سیاست اعمال فشار حکومت قدرتمند را بر بازارهای مالی تنظیم نمایند دارای توان و ظرفیت خواهند بود. چه بسا در مقایسه با فوران بدبینانه هدف مدارس ملی، هرست و تامپسون نتیجه می گیرند که اعمال اقتصادی بین المللی به هیچ وجه خارج از نظم و کنترل نمی باشد حتی اگر حوزه و فهم معمول و اهداف کنترل اقتصادی با منافع گوناگون قدرتهای بزرگ و دکترین رایج اقتصادی در میان نخبگان محدود شود.

با این وجود حتی در مورد بانکداری و تأمین منابع مالی، میزان قبلی و استلزامات جهانی سازی باسانی بی جهت بزرگ جلوه می کند. تاریخ اقتصادی و سیالی قرن

۱۹ کارل پولینی، به خاطر ما می آورد که جهانی سازی منابع مالی پدیده تازه ای نیست. نظیر BCCI، نزدیک به یک قرن بعد.

اپراتوری بانکداری خانواده رات چایلد (Rotchild)، مرزهای ملی را درنوردیده و آنسوی اختیار هر دولت مستقلاً عمل می کند. با این وجود، هیچ کس ابراز نداشته که جهانی سازی منابع بانکی و مالی در قرن نوزدهم مردم را به مهجور بودن می کشاند. برعکس مطابق گفته های پولینی، عملیات منابع مالی بین المللی همیشه با اعمال سرمایه ملی و حکم نخبگان درهم پیچیده بوده است:

منابع مالی بزرگ نظیر مراکز در حال فعالیت مشارکت بانکی در سندیکاها و کنسرسیوم، گروههای سرمایه گذاری، وامهای خارجی، کنترلهای مالی، با سایر معاملات در حوزه مشکوک ملزم به همکاری بانک ملی، سرمایه ملی، منابع مالی ملی بوده اند. گرچه منابع مالی ملی و داخلی بعنوان یک قاعده برای دولت در مقایسه با صنایع مالی سودمندتر بوده است، هنوز هم بقدر کفایت برای مشتاق ساختن منابع مالی داخلی به حفظ اطلاعات خود دولتها این کار را انجام می دهد.

حامیان تز جهانی سازی غالباً آمارهای جدید (مورد فوق) را برای این گفته که منابع مالی جهانی شده و میزان هماهنگی سازی مالی افزایش یافته نقل می کنند. با این وجود با نگاهی طولانی تر به موارد تاریخی و قبلی، زوین به این

نتیجه می رسد که مدرک متقاعدکننده ای که نشان دهد دیسیپلین سیاست / سیالی بازارهای سرمایه از آنچه که بوده بیشتر است وجود ندارد. علی رغم پیشرفتهایی در تکنولوژی ارتباطات، بازارهای مالی نشانه اندکی از گستردگی مالی را نشان می دهند.

گرچه تکنولوژی حوزه و حجم معاملات مالی بین المللی را افزایش داده است، زوین عنوان می کند که ادغام اقتصادی به بهترین وجه با میزان تغییر قیمت مورد سنجش قرار می گیرد. او نشان می دهد که بازارهای مالی (پولی) شمال غرب اروپا قبل از سال ۱۹۱۴ بعنوان شاهدهی از انطباق نرخ بهره در تمام مرزهای ملی تماماً ادغام گردیدند. الگوهای جدید وام (دادن) بین المللی و اوراق بهادار فراملی هم پیشینه تاریخی دارند. با تغییر قرن، هندوستان، ایتالیا، ژاپن، روسیه و دانمارک نسبتهایی از بدهی خارجی به GNP از ۲۰ تا ۳۰ درصد داشتند، در صدی که با نسبت بدهی بدهکارترین کشورها در دهه ۱۹۹۰ قابل مقایسه است. سهام خارجی ۵۹ درصد سهام مورد تجارت در انگلیس در اواخر قرن نوزده محاسبه شده است، در حالیکه یک قرن بعد تنها ۲۰ درصد از سهام مورد معامله در انگلیس سهام خارجی بودند. آمارها در مورد سهام در حال معامله در فرانسه نشان دهنده افزایش

نسبی مشابه در معاملات اوراق بهادار خارجی است. با این وجود شرایط فوق
نمی تواند منجر به از بین رفتن نظارت و کنترل از سوی ملتها شود.

حتی از آمارهایی که نشاندهنده آنست که بازارهای پولی و مالی به لحاظ جهانی
در قرن نوزده درهم ترکیب شده نبودند، فرد نمی تواند به این نتیجه برسد که آنها
همواره باز بودند. بلکه آنطور که اسکار (Schor) می گوید، میزان گستردگی در
واکنش به فاکتورهای سیالی در نوسان است.

میزان بالای تحرک سرمایه بین المللی قرنهای هجده و نوزده در تمام قرن بیستم
ادامه نمی یابد. از دوره دو جنگ جهانی تا تقریباً اوائل دهه ۱۹۷۰، اکثر سرمایه
داران فاز بازارهای مالی معمولاً غیر جدا را تجربه نمودند. ترکیب رکود اقتصادی و
جنگ روابط مالی فرو پاشیده موجود را ترکیب نمود. زمانیکه رشد اقتصادی جهان
بعد از جنگ جهانی دوم از سر گرفته شد، این مورد در بافت بازارهای سرمایه ملی
نسبتاً کنترل شده بود. دولتها از میزان منحصر بفردی از استقلال سیالی بهره مند
گردیدند. بعد، منحصر بفرد بودن دوره بعد از جنگ کاهش یافت و بازارهای مالی
در کشورهای سرمایه دار مثل سابق به بیشتر مورد توجه قرار گرفتند.

دوره بعد از جنگ بازارهای مالی ناهماهنگ و سیاست های اقتصادی ملی استیت -
لید Keynesian محصول نیروهای سیاسی بوده است. برعکس هدف و حوزه

مدارس دولتی، بازگشت به بازارهای جهانی هماهنگ نباید به نیروهای غیرشخصی (بی روح) نظیر پیشرفتهای تکنولوژیکی یا جبر بازار نسبت داده شود. آنطور که هاتن گفته، شهر (لندن) دژ بازارهای آزاد مالی نبوده است، این شهر اولین بهره را از سیاست صنعتی به بهترین وجه معین شده دائماً در جریان را از سوی دولت انگلیس در هر شاخه از فعالیت اقتصادی، حقوق، مالیات، سیاست کنترلی و اقتصادی متمایل برای تناسب با نیازهایش برده است.... بازارهای جهانی قدرتمندند... اما شرایطی که براساس آن تجارت صورت می گیرد از سوی دولتها تنظیم می شود. بهمین ترتیب، براساس مطالعه پنجاه ساله روی منابع مالی و بانکی بین المللی، با وارد کردن ضعف و از بین رفتن توافق برتون و دز (Bretton Woods)، افزایش انجمن اروپایی، مدیریت US/IMF بحران بدهی و موافقت نامه G-10 مورد حمایت Base) کپستین (، Kapstein به این نتیجه می رسد که اقتصاد جهانی جایی دور از ساحل فعالیت نمی کند، بلکه در عوض در چارچوب سیالی فراهم آمده از سوی ملتها عمل می کند.

سیاستهای محلی و جهانی در زمینه کنترل و تنظیم بانکداری معلوم اند. مطابق رهبری آمریکا، چارچوب جهانی برای تنظیم و کنترل بانک براساس اصل نظارت کشور خاستگاه توسعه یافته است. مطابق توافقیهای شناخته شده بعنوان قراردادهای

بیسل، سیستم نظارت بانکی با درخواست بانک به ایجاد گزارش مالی متحد و پذیرش مناسب استانداردهای سرمایه یکسان فعال می‌شود. قراردادهای بسیل ویژگی جهانی داشته، اما مصون از سیاستهای داخلی نیستند.

از این منظر، فرآیند چارچوب بین‌المللی برای نظارت بانکی برهم بر توافقاتی میان ملتها و هم‌مذاکرات سیالی میان ملتها و منافع بانکی داخلیشان متمرکز است. بنابراین روشهای معمول برای آنالیز سیاستهای جهانی با تکیه آنها بر قدرت، منفعت و کشور و دولت، مربوط به بحث بانک جهانی و فانیانس بین‌المللی به رغم ادعایی که دولت کنترل مرزهای اقتصادی را از دست داده و شرکتها هویت ملیشان را از دست داده اند باقی می‌ماند.

شک پیشه‌های جهانی سازی، شکی را پیرامون جهانی سازی اظهار نمودند که به هیچ وجه برطرف نمی‌شود. منتقدان اسطوره جهانی سازی برای نادیده گرفتن تغییرات تاریخی و آموزشگاهی در اقتصاد جهانی، برای بحساب نیابردن قدرت مؤسسات جهانی با ضعف تدریجی آموزشگاههای دموکراتیک سیالی و برای نداشتن شناخت از اثرات گوناگون جهانی سازی بر سیاست مورد سرزنش قرار می‌گیرند. این بحث که تجدید بنای سازمانی اقتصاد جهانی تهدیدی برای سازمانهای سیالی دموکراتیک است بدون امتیاز نیست. رژیمهایی نظارتی ایجاد شده مطابق

توافق کلی تعرفه و تجارت (GATT), توافقنامه تجارت آزاد آمریکای شمالی (NAFTA) و توافق فراملی در مورد سرمایه گذاری بدون شک نشان دهنده تغییرات نهادی عمده در اقتصاد سیالی بین المللی است.

توافقنامه بین المللی پیشنهادی پیرامون سرمایه گذاری, بعنوان مثال به سرمایه مالی بین المللی, مجموعه ای از حقوق فوق العاده جدید در رابطه با اختیارات سیالی شامل ممنوعیت تمام اعمال نظارتی که با اقدامات نامعقول و تبعیض آمیز استفاده از تمام سرمایه گذاریها صدمه می بیند را می دهد. (هوبرگ ۱۹۹۸ صفحه ۲۶). چنین رشد و افزایش حقوق سرمایه بین المللی نه تنها حق حاکمیت کشورهای در حال توسعه را تهدید می کند, بلکه ابتکار عمل های دموکراتیک اجتماعی را در جوامع صنعتی که از این توافق نامه حمایت می کنند به مخاطر می اندازد.

اگرچه اهمیت چنین تغییراتی در ساختار حکومتی بین المللی مورد تقدیر قرار می گیرد, دیدگاه ما پیرامون جهانی سازی با انتقاد از تز جهانی سازی در چند مورد تحت تأثیر قرار می گیرد. اولاً فرض هایی را می پذیریم که روشهای معمول برای مطالعه اقتصاد سیالی با توجه شان بر ژئوپلیتیک, قدرت, منفعت و دولت مربوط به مطالعه نظارت بانک جهانی باقی بماند. بنابراین بررسی ما پیرامون نقش شرکتهای حسابرسی / حسابداری در مورد BCCI بر رابطه میان شرکتهای حسابرسی /

حسابداری و ناظران بانک دولتی (ایالتی) متمرکز است. ثانیاً، موافق با Kapstein (1994) صفحه ۱۵۶-۱۵۵)، مورد BCCI را بعنوان نمونه بانک جهانی غیرقابل کنترل در حال فعالیت در خارج از فضای نظارتی ملی نمی‌نگریم. بلکه ترجیحاً بعنوان استثنایی تلقی می‌کنیم که قاعده ای را که قدرت ملی بر نیروهای بین‌المللی غلبه می‌کند زمانیکه و در صورتیکه بکار برده شود ثابت می‌کند. زمانیکه تصمیم به این کار می‌گیرد، تشکیلات بانکداری غربی، که توسط بانک انگلیس رهبری می‌شود، در رابطه با حسابرسان BCCI برای تعطیلی مؤثر عملیات در سطح گسترده BCCI عمل می‌کند.

در نهایت، در بررسی تعطیلی BCCI، به تفاوت میان قابلیت تکنیکی دولتها و شرکتهای حسابداری/حسابرسی برای کنترل سرمایه جهانی، و توان سیاسی شان به انجام این کار دقت می‌کنیم. (Woods 1997 Meiksins). با کمی استثناء، منتظران تز جهانی سازی، توانایی کشورها را به تنظیم و کنترل سرمایه ای که محدود می‌شود نه بتهایی از طریق جهانی سازی، بلکه از طریق سیاست مورد تقدیر قرار می‌دهند.

عدم توازن قدرت ژئو-پلیتیکی میان کشورها، قدرتهای اقتصادی نظیر ایالت متحده، اروپا و ژاپن را به تشکیل رژیمهای نظارتی بین‌المللی برای تناسب منافع

شرکتهای بین المللی مستقر در مرزهایشان نسبت به کشورهای تازه صنعتی شده و جهان سوم تواناتر می سازد. در کشورهای قدرتمند سیاست هم محدود به کنش های کشور در نتیجه تأثیر نامتناسب الگوهای سرمایه صنعتی و مالی بر سیاست داخلی و خط مشی اقتصادی داخلی و بین المللی می شود. بخصوص برای محققان جامعه شناس (DuBoff & Herman 1997, Tabb, 1997, ۱۹۹۸, ۱۹۹۵, ۱۹۹۷), (Meiksins Woods) مسئله این است که آیا کشور یا در موضوع مورد بحث ما شبکه حسابداری دولتی، توان تکنیکی کنترل شرکتها و مؤسسات بین المللی را دارد یا نه، بلکه اینست که آیا توان سیالی ایجاد و اعمال رژیمهای کنترلی و نظارتی که به درد نیازهای جوامع جامعه دموکراتیک خورد را دارد یا نه. در نهایت، سؤال از یکی از خط مشی های دموکراسی و توانایی خط مشی های دموکراتیک برای تحت تأثیر قرار دادن نظارت بر فعالیتهای تجارسیست. از اینرو، مطالعه ما پیرامون BCCI به آنسوی موضوع زمان و چگونگی بسته شدن BCCI از سوی بانک انگلیس و پرایس واتر هوس (Bank of England and Price Waterhouse) با در نظر گرفتن آنچه که این بحث در مورد محدودیتهای توانایی ناظران بانک و حساب رسانی آنها برای گسترش منافع جامعه در کنترل بانکداری جهانی می گوید نظر دارد.

بانک اعتباری و بانک تجارت جهانی

قضیه بانک اعتباری و بانک تجارت جهانی (BCCI) مورد بانکی است که غالباً بعنوان بانک تجاری جهان سوم در کشورهای فرست ورلد (کشورهای جنگ جهانی اول) دیده می شود. برای تجارت بعنوان یک بانک بین المللی، BCCI باید روشهای نظارتی غربی را گردن نهاده و حسابرسی های خارجی را بعنوان جزئی از تکنولوژی های در حال رواج مطمئن و تکنولوژی مراقبت بپذیرند. در محدوده هندسه قدرت جهانی سازی، BCCI باید تسلیم نظارت و کنترل کالج Regulators بکار رفته از سوی نظرات قابلیت حسابرسی، اخلاق و اغفال باشد. همچنین باید منطقی که حسابرسی از سوی شرکتهای بین المللی باعث بالا رفتن اطمینان و مسئولیت محاسباتی می شود را بپذیرد.

تاریخچه اولیه

BCCI بعنوان خانواده ای دارای فعالیت اندک در دوره قبل از استقلال هند از

انگلیس حیات خود را آغاز کرد.

بعد از استقلال و تجزیه شبه قاره در سال ۱۹۴۷، به سمت پاکستان می رود (مجلس

سنای آمریکا، ۱۹۹۲ صفحه ۲۳). در سال ۱۹۵۸، مؤسس BCCI یعنی آقا حسن

عابدی بانک جدیدی تحت عنوان یونایتد بانک که با مجوز دولت پاکستان بوده

تشکیل می دهد. ظرف ۱۰ سال و با حمایت شدید سیاسی، یونایتد با کمک دومین بانک بزرگ در پاکستان شده و عملیتهایش در کشورهای دیگر نظیر خاورمیانه گسترش می یابد. در اوائل دهه ۱۹۷۰، درست زمانی که قرار یونایتد بانک بعنوان بزرگترین بانک در پاکستان گذاشته شد، جو سیاسی کمی متلاطم شد. برای افزایش خط مشی های اقتصادی، دولت جدید علاقمند به حفظ کنترل بر مؤسسات مالی بوده و تصمیم به ملی سازی تمام بانکها می گیرد. تلاشهای عابدی برای انتقال بانک به خارج از پاکستان با تعلیق کامل مواجه گردید و او در خانه خود تحت نظر بود.

ضمن تحت نظر بودنش، عابدی طرحهایی را برای بین المللی کردن بانک و استقرار آن در خارج از پاکستان ایجاد نمود. این بانک بین المللی که او پیش بینی نمود شکاف میان کشورهای به لحاظ اقتصادی توسعه یافته و در حال توسعه را از بین برده و با بانکهای غربی نه تنها در خدمات مالی بلکه در حدود هم به تنوع شکل، بیمه، محصولات، حالات واقعی و حتی کارها و امور خیریه است. برای درک اهداف بین المللی او عابدی نیاز به حمایت مالی در جهت به این هدف داشت، او رابطه ای با شیخ زاید بن سلطان آل نهیان حاکم کشور نفت خیز ابوظبی برقرار می کند. این رابطه با شیخ اساس تأسیس بانک می شود که بدون آن BCCI

هرگز موجودیت نمی یافت. در حقیقت گاهی بیش از ۵۰ درصد دارایی BCCI متعلق به ابوظبی و خاندان شیخ بوده است.

برای تضمین تجارت در وسترن ورلد، BCCI نیاز به قابلیت پذیرش و رابطه خاص با مؤسسات مالی وسترن داشت. این مورد از سوی بانک آمریکا (Bank of America) که به استفاده از روابط عابدهی برای گسترش فعالیتش در خاورمیانه امیدوار بود فراهم گردید.

در نقض حقوق آمریکا، خرید آمریکا با نام داوطلبان سری برای لغو و از بین بردن درگیری BCCI و از میان برداشتن الزامات به ثبت رساندن اطلاعات مالی و داشتن ناظری شناخته شده صورت گرفت.

بانک انگلیس از حضور BCCI در انگلیس حتی اگر این بانک نگران عدم وجود ناظری بین المللی و وام دهنده به وام دهنده متوسل شود استقبال می کند. BCCI در لوکزامبورگ دادوستد بانکی کمی داشته و کمیسیون بانکی لوکزامبورگ احساس می کند که نظارت کارآمد SA از لوکزامبورگ غیرممکن است. بانک آمریکا هم از رابطه اش با BCCI ناخشنود بوده و در حقیقت مبلغ سرمایه گذاری شده اش را در سال ۱۹۸۰ می فروشد گرچه این بانک، بانک عضو اتاق پایپای آمریکایی BCCI باقی می ماند. علی رغم این هشدارها و بی اعتمادی های ناظران

آمریکایی، بانک انگلیس عملیات BCCI ی انگلیس را مورد مخالفت قرار نمی دهد. در حقیقت مطابق قانون ۱۹۷۹ بانکداری، بانک انگلیس مجوز BCCI SA را بعنوان مؤسسه گیرنده وثیقه اگرچه نه بصورت بانک کامل بخشی براساس تضمینی که حسابرسان خارجی صلاحیت دادن گزارش را ندارند صادر می کند (۶ نوامبر ۹۲ و Hansard).

با مدیریت ۱۰ بیلیون دلار پول نقد که در شبکه بین المللی اش قرار دارد، BCCI تصمیم به متمرکز ساختن عملیات خزانه در سال ۱۹۸۲ می گیرد. با این وجود، گردش بانکها در بازارهای پولی بنحو چشمگیری موفقیت آمیز بوده و مقاماتش به تقلب برای پوشاندن زیانهای تجاری متوسل می شوند. یکی از این تکنیکها فروش سهام عمده ای از برگه های معامله برای خرید ارز یا اوراق بهادار با قیمت ثابت در تاریخ بعدیست. عواید این فروش ها در دفاتر بعنوان سود نشان داده می شود. بعنوان بدهیهای عینیت یافته، BCCI مجبور به فروش قراردادهای بیشتری برای حفظ جریان نقدی و سودهای جاری می گردد. ارزش تماسهای فوق العاده اش در سال ۱۹۸۵ بالغ بر ۱۱ بیلیون دلار در مقایسه با ۳ بیلیون دلار بانک سرمایه گذاری مهم لندن که در فعالیت تخصص دارد تخمین زده شد. همچنانکه عملیات داخلی BCCI تقسیم می شود، این امکان هم برای مدیران وجود دارد که حسابها را

به اطراف انتقال داده و زیانهایشان را لاپوشانی کنند. حجم بالای تجارت صورت گرفته از طریق اتاق معاملات BCCI، علائمی را به بانکهای دیگری فرستد، اما در عوض گزارش دهی، فعالیت نامعمول به مقامات، آنها مزیت این وضعیت و سودهای ایجاد شده در هزینه BCCI را تلقی می کنند. در حقیقت اطلاعات به ناظر لوکزامبورگ رسیده و از BCCI می خواهد و کسی که از یکی از حسابرسان سؤال می کند، بررسی محدودی از عملیات خزانه اش انجام دهد. در نتیجه این بررسی نه لوکزامبورگ نه بانک انگلیس نگران داشتن خزانه BCCI در صلاحیت مستقیمشان نبوده و اجازه داده شد در اواخر سال ۱۹۸۶ دوباره در ابوظبی مستقر شود.

در سال ۱۹۸۷، نگرانی ایجاد شده بواسطه زیانهای بالای خزانه BCCI، شایعات عدم کنترل و ناتوانی به یافتن یک ناظر ساده علاقمند به عمل بعنوان آخرین فرد وام دهنده، Basel Committee یک College of Regulators را برای هشت کشور جهت رسیدگی دقیق به فعالیتهای BCCI تشکیل می دهد (Bingham 52-53, 1992). با این وجود این کالج نا کارآمد است چون اعضایش غالباً مجذوب نگرانیها و منافع ملی اند. مثلاً، این کالج زمانیکه مقامات آمریکایی BCCI را متهم کرده و مقاماتش متهم به کلاهبرداری و تقلب، چهره غیرقانونی دادن به

پول غیر قانونی و دستکاری در گزارشات بانک در اکتبر سال ۱۹۸۸ می شوند اقدامی اتخاذ نمی کند. در ژانویه سال ۱۹۹۰، تصمیم به چهره قانونی دادن به پول غیرقانونی بدنبال عملیات پیچیده انجام شده از سوی مقامات گمرک آمریکا می شود (مجلس سنای آمریکا 1992 b, صفحه ۶۱). در پی رسوایی تطهیر پول (پول شویی)، کالج درمی یابد که ۷۲ بانک عمده سطح اعتبار تعلق داشته، نقدینگی بانک را تهدید کرده، اما هنوز از اتخاذ عملیات مشترک قطعی خودداری می نمایند. همان موقع بانک انگلیس به اتخاذ مسئولیت نظارتی صرف بر BCCI فشار وارد می سازد. گرچه BCCI در لندن اداره مرکزی دارد، ناظران انگلیس نظارت نسبتاً محدود شده ای را حتی زمانی که بانک انگلیس از گرفتاری BCCI در پول شویی مواد مخدر و تأمین منابع مالی تروریسم در سال ۱۹۸۸ و ۱۹۹۲ آگاهست بعهده می گیرد.

با شکست اجلاس ایجاد شده نظارت تلفیقی داخل کشور، BCCI برای حالت استاندارد بانکداری بین المللی نظارتی استثناء محسوب می شود. طبق گفته BCCI، Kapstein نباید بعنوان نمونه ای از نبود چارچوب نظارتی بین المللی نگریسته شود اما ترجیحاً بعنوان یک مورد استثناء از قانون نظارت تلفیقی داخلی تلقی می شود. تئوریهای بیشماری برای توضیح رشد نامنظم BCCI از این ادعاهای مبنی بر اینکه

بانک انگلیس تمایلی به بستن BCCI به خاطر نتایج ممکن پیامدهای احتمالی دیپلماتیک در خاورمیانه ندارد گرفته تا این حدس و گمان ها که BCCI بخاطر روابطش با فعالیتهای در حال پیشرفت اطلاعاتی مصون مانده شکل گرفته است. (صفحه ۱۵۹-۱۵۸ و Kapstein 1994), بدون توجه به دلایل عدم بررسی BCCI, رشد و پیشرفت آن بعنوان یک سازمان بین المللی بدون اینکه وام حتی یک نفر وام دهنده موجود باشد ناظران را نگران کرده و این مورد را برای BCCI جهت نشان دادن نتایج مالی قوی ضروری ساخته است. Water house Price یعنی حسابرسان BCCI اعتراف می کنند که (این امر) باعث آسیب پذیری بانکها در نتیجه عدم وجود حتی یک نفر وام دهنده, و رابطه اش با بقیه بانکها شده, (مقامات BCCI) معتقدند که آسیب پذیری اساسی بوده و نشان دهنده ضعف تراز نامه یا نتایج ضعیف عملیاتی نیست (مجلس سنای آمریکا, 1992 a صفحه ۹۸, گزارش سندالتورم صفحه ۱). بنابراین استنباط حسابرسان به ایفای نقش اساسی در مطمئن ساختن جامعه بین الملل از صداقت مالی بانک و توانایی پرداخت بدهیها ادامه می یابد.

نظارت بر BCCI از طریق حسابرسان خارجی

براساس تاریخچه منطقه ای، نقش حسابرسان خارجی در نظارت بر بانک از کشوری به کشور دیگر تفاوت می کند. بانک انگلیس حسابرسان بانک را از میان نیروی دولتی استخدام نمی کند. این بانک مستقیماً حسابرسان بانک را مصوب نمی کند اما بشدت برنظر حسابرسان خارجی تکیه دارد. در ایالت متحده برعکس این مورد، مسئولیت حسابرسی بانک بین حسابرسان خارجی و حسابرسان دولتی با سردرگمی قابل توجهی در مورد تداخل مسئولیتها تقسیم شده و هیچ یک مسئولیت کشف تقلب را نمی پذیرند. بعضی از ایالتهای آمریکا حسابرسان دولتی را برای نظارت بر عملیات بانکی در خاک کشور بکار می گیرند. برای تسهیل و امکانپذیری نظارت داخل کشور، توافقنامه Basel بانکهای جهانی را به فراهم ساختن گزارشات مالی تلفیقی جهت پوشش دهی عملیات جهانی ملزم می سازند. علی رغم تفاوتهای نهادی، حسابرسی های خارجی نقش اصلی در نظارت بانکی بین المللی در چارچوب نظارت داخلی تلفیقی بازی کرده و تمام ناظران به میزانی به گزارشات حسابرسی صادره از سوی مؤسسات حسابداری بخش خصوصی که صورتهای مالی صادره از سوی بانکهای جهانی را حسابرسی می کنند وابسته اند.

در راستای شیوه های بانکداری غربی، BCCI باید حسابرسی های مالی خارجی را بپذیرد. ناظران تکیه زیادی بر صورتهای مالی حسابرسی شده دارند حتی اگر آنها اظهار مستقیمی بر انتصاب حسابرس نداشته و حسابرسان آنها را فاقد مسئولیت مراقبت تلقی کنند. با توجه به شعبات سازمانی بانک لوکزامبورگ و گراند گایمند BCCI و حسابرس برای پوشش فعالیتهای جهانیش فرامی خواند: ارنست و وینی (بعداً ارنست و یانگ) فعالیتهای لوکزامبورگ و شرکت سرمایه گذار را حسابرسی می کنند و Price Waterhouse به حسابرسی فعالیتهای گراند گایمند می پردازد. انتصاب دو حسابرس BCCI را قادر به محدود ساختن حوزه اختیار هر حسابرس می سازد.

در اواخر دهه ۱۹۷۰، چرخه بانکی انگلیس بر حرکت در جهت توسعه BCCI با نادیده گرفتن موارد احتیاطی نظیر نرخ و نسبت توانایی پرداخت دیون و تأمین نامطلوب بدهی متمرکز می شود. تصور می شود شعبات انگلیس آن (آن بانک) هم بیش از حد معامله کرده، معامله با ضرر همراه بوده، به تجارت های زیادی بیش از اندازه وام تعلق گرفته و با سایر بانکها تجارت بسیار کمی پذیرفته باشد.

معهدا در سال ۱۹۷۹، دولت انگلیس به BCCI SA اجازه می دهد بعنوان یک نهاد سپرده گذار برای توجیه این حقیقت را که حسابرسان صلاحیت گزارش دهی را

ندارند نقل می کنند (Co. ۵۲۷ ۶ نوامبر ۱۹۹۲ و Hansard). در سال ۱۹۷۹، بانک انگلیس BCCI SA را به انجام بررسی دفتر وام متقاعد کرده و ارنست و یانگ حسابرس گزارش اطمینان بخشی در مارس ۱۹۸۱ ارائه نمودند (بنیگ هام ۱۹۹۲ صفحه ۳۹). بانک انگلیس نگران عملیات، ساختار، مالکیت و عدم حضور حتی یک نفر وام دهنده باقی می ماند اما به خاطر عدم صلاحیت گزارشات بازرسی صادر شده در حسابهای BCCI آرام است.

اواسط دهه ۱۹۸۰، از نقطه نظر زیانهای عمده به خزانه داری BCCI، ناظر لوکزامبورگ از BCCI می خواهد به بررسی فعالیتهای خزانه داری را اجرا کند. این بررسی توسط Price Waterhouse تعهد گردید، کسی که عدم کنترل و نظارت را افشاء کرده اما آنرا به خطاهای بی کفایتی ایجاد شده از سوی آماتورهای ناوارد که بازار باتکنیک بالا و پیچیده را به خطر می اندازد نسبت می دهد. بعنوان زمان تأمین منابع مالی که بعداً بحث گردیده، Price Waterhouse هم حساب خزانه و هم حسابهای مبتنی بر گایمن را که برای تأمین هزینه خسارت و ضرر و زیان مورد دستبرد قرار گرفته حسابرسی شد، بنابراین به لحاظ تئوریک این مورد در موقعیت کشف هر دو جنبه از دستکاری و تقلب صورت گرفته است. گزارش Price Waterhouse در اختیار BCCI ارنست و یانگ و بعداً ناظران لوکزامبورگ

قرار گرفت. بانک انگلیس در حقیقت از گزارش از سوی مقامات لوکزامبورگ مطلع شد.

تکیه ناظران بر حسابرسان خارجی بر این اعتقاد که حسابرسان افراد خیرخواه بوده و به نفع جمع یا جامعه عمل خواهند کرد، و اینکه حسابرسان مستقل از مدیریت اند قرار دارد. چنین مسئله ای آنطور که هانلون اظهار می دارد که در مؤسسات حسابرسی "تأکید بر تجاری بودن و اجرای خدمات برای مشتری به جای خیرخواهی به نفع عموم یا کشور است مسئله ساز می باشد. بعلاوه، غالباً حسابرسان سرویسهای غیرحسابرسی را به مراجعان حسابرسیشان می فروشند و مراجعانشان را همچون مشاور بخدمت می گیرند. در حالیکه کشور به آنها به دیده حسابرس مستقل مجری نقش های رقابتی تر و شبه نظارتی می نگرد. در مورد BCCI، بانک بخش مشاوره حسابرسان پرایس واتر هوسش را برای کمک به آنها در حل خسارت به فعالیتهای خزانه اش بکار می گیرد. این مشاوران کار خود را در سال ۱۹۸۶ کامل کرده و حسابرسان [پرایس واتر هوس گزارش می دهند که آنها راضی بوده و اینکه توصیه هایشان برای بالا بردن کنترل بر خزانه اجرا گردیده است. در نتیجه بررسی اش از فعالیتهای خزانه در سال ۱۹۸۵، حسابرسان پی به بدهی بالقوه مالیاتی به دولت انگلیس هم برده و بعداً به BCCI توصیه می کنند که فعالیتهای خزانه

داریش را خارج از انگلیس برای جلوگیری از پرداخت انتقال دهد. در بیانات

پرایس واترهاوس آمده است :

ویژگی بشری ناشی از بررسی فعالیتهای خزانه در سال ۱۹۸۵، بدهی نامعلوم به

مالیات بر شرکت انگلیسی منشعب از فعالیتهای این بخش در دوره ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۵

بوده است. متعاقب توصیه های صورت گرفته از طرف ما و از طرف Tax

Counsel در سال ۱۹۸۶ معلوم گردید که این بدهی می تواند در صورتیکه بانک

تجارت در انگلیس را متوقف کرده و اظهار خسارت جبران ناپذیر کند بنحو

چشمگیری کاهش یابد. (سنای آمریکا 1992, a, صفحه ۱۷۵).

بدنبال این پیشنهاد، خزانه داری BCCI از لندن به ابوظبی در سال ۱۹۸۶ با همکاری

پرایس واترهاوس به این انتقال، انتقال داده شد. بنابراین، حسابرسان در موقعیت

دوگانه عمل کننده بعنوان مشاور خصوصی و مشاوران مالیاتی برای مدیریت

BCCI جهت منافع فردی بیشترشان عمل نمودند، با این وجود همان موقع کشور

انتظار داشت که آنها با عمل بعنوان ناظر خارجی و شبه ناظر مجری منافع عمومی

باشند.

نقش حسابرسان بعنوان شبه ناظر از سوی قانون ۱۹۸۷ بانکداری انگلیس افزایش

یافت. علاوه بر دادن مسئولیتهای بیشتر به بانک انگلیس برای نظارت بانکی و

انسیتوهای سپرده گذار، این قانون نشستهای منظم میان مدیریت بانک، حسابرسان و بانک انگلیس برای بحث پیرامون موضوعات مورد علاقه دوجانبه را ضروری می داند. وظیفه معمول محرمانه بودن حسابرسی برای مشتریان شرکت از قادر بودن به آنها به گزارش موضوعات به ناظران که ارائه کننده عمل حاکی از حسن نیت آنهاست می گاهد. حسابرسان ملزم به فراهم ساختن گزارشاتی پیرامون کنترلهای داخلی بانک ها بوده و به آنها حق (مخالف با وظیفه) گزارش شک شان به ناظران حتی بدون شناخت مشتری داده می شود.

حول و حوش همان زمان، ارنست و یانگ بطور فزاینده ای از تقسیم حسابرسی امپراتوری BCCI ناخشنودند. آنها طی نامه ای به عابدی نگرانی جدی خود را از کنترلهای ضعیف داخلی، حسابدهی، موشکافی حسابها و دستیابی به اطلاعات اعلام کردند. آنها بخصوص نگران آن بودند که انتصاب چند حسابرس هریک را از بررسی همه جانبه فعالیتها غیرممکن سازد. ارنست و یانگ عنوان نمودند که آنها از انتصاب مجدد خودداری می کنند مگر اینکه به آنها مسئولیت حسابرسی کل گروه BCCI داده شود و مگر اینکه BCCI برای سرو کار داشتن و برخورد با منتقدانشان اصلاحات عمده ای را به اجرا درآورد. بانک انگلیس نیاز به یک گروه

حسابرس ساده را مورد حمایت قرار داده (یک "موسسه جهانی") و در ماه می سال ۱۹۸۶، پرایس واترهاوس تنها حسابرس گروه می شود.

با این وجود این مؤسسه مسئول حسابرسی تعدادی از واحدهای تابعه BCCI نبوده و قوانین پنهان کاری بانک، توانایی اش را به کسب جزئیات حسابها از شرکتهای تابعه در مکانهایی نظیر سوئیس و کویت که بعدها فاش می شود که کانالهای اصلی تقلب بوده اند مسدود می ماند.

در تمام دهه ۱۹۸۰، حسابرسان BCCI به انتشار گزارشهای کامل پیرامون صورتهای مالی بانک علی رغم نشانه های هشدار دهنده ای از مشکلات بالقوه در حسابهای بانکی ادامه می دهند (سنای آمریکا 1992b, فصل ۱۰). در سال ۱۹۸۷، بانک انگلیس گزارشاتی پیرامون فعالیتهای فریبکارانه از سوی BCCI دریافت می دارد اما هیچ اقدام قطعی اتخاذ نگردید چون حسابرسان به مدیریت BCCI پیرامون فریبکاری مظنون نشدند (Bingham, 1992, صفحه ۵۷). در ماه می ۱۹۸۸، پرایس واترهاوس گزارش محکمی برای College of Regulators (که ابتدا در سال ۱۹۸۷ تشکیل شد) آماده می سازد. این گزارش توجهات را به سمت تمرکز بالای وامهای BCCI به مشتریان خاص کشاند که چند تای آنها جزء سهامداران بودند. این گزارش همچنان اطلاعاتی را در مورد شرکتهای داوطلب

BCCI و صورتهای غیر قانونی ممکن در ایالت متحده وارد ساخت. با این وجود

اطلاعات فراهم آورده از سوی ناظران در حداقل بود زیرا حسابرسان با مشکل

خاتمه مسئولیتشان در مقابل افشای مناسب برای ناظران (بانک) با ضرورت حفظ

اعتماد بر مشتریانشان مواجه بودند.

مسئولیت حسابرسان به گزارش دهی به مسئولان بانک به حدود صلاحیتی بیشتر

محدود می شد. گرچه پرایس - واترهاوس - UK از اینکه ممکنست BCCI

مالکیت اولین بانک آمریکایی را بطور غیرقابل باوجود داوطلبان بدست آورده

باشد آگاهست, حسابرسان مقامات آمریکایی یا پرایس واترهاوس - USA را مطلع

نمی سازند (سنای آمریکا 1992 b). در حقیقت بانک مرکزی شایعات از گزارش

اکتبر ۱۹۹۰ فراهم آمده از سوی حسابرسان BCCI را که نشان می دهد که بانک

وامهای بزرگ به سهامداران سهام های اعتباری و تجاری آمریکایی (مالکان فرست

امریکن) که با سهامهای CCAH تضمین می شد داده است شنیده است. بانک

خواهان دستیابی گزارش حسابرس بوده و در بدو امر از سوی پرایس واترهاوس رد

می شود. بعد از پافشاری برروی خواسته اش در چند دوره, فدرال ری زرو

(Federal Reserue یا بانک مرکزی) به واقع اجازه بررسی گزارش پرایس

واترهاوس را در دفتر لندن BCCI در اواخر سال ۱۹۹۰ می دهد (مجلس نمایندگان

آمریکا، 1991b مجلس سنای آمریکا 1992 b (صفحه ۳۴۹). براساس شواهد و مدارک آمده در گزارش حسابرس، مقامات بانکی آمریکا بررسی رسمی جامعی را در خریدهای BCCI آمریکا آغاز کردند.

رابطه پرایس واترهاوس با BCCI بنحو چشمگیری در آوریل ۱۹۹۰ زمانیکه حسابرسان طبق اختیار قانون ۱۹۸۷ بانکداری عمل نموده، مشکلات وام دهی بانک انگلیس و امکان تقلب و دستکاری در BCCI را بدون اطلاع BCCI از اعمالشان اعلام نمودند تغییر کرد (مجلس سنا، 1992b صفحه ۱۷۳-۲۷۱). با این وجود، علی

رغم امکان دستکاری در BCCI از سوی بانک انگلیس، حسابرسان (می ۱۹۹۰) گزارش جامعی در مورد صورتهای مالی سال ۱۹۸۹ BCCI منتشر نمودند. با ترس از این امکان که این نظر دوره BCCI را بالا برده و از اعتماد به نظام بانکی بتدریج کاسته شود، ناظران انگلیسی می خواهند حسابهای سال ۱۹۸۹ BCCI با نظر یک حسابدار تمام عیار انتشار یافته و گارانتی های ابوظبی این امکان را صورت دهد (بینگهام، ۱۹۹۲، صفحه ۸۲). در زمینه انتقادهای عمومی، پرایس واترهاوس به دفاع از تصمیمش به اشاره نمودن به حسابها با این بحث که بانک انگلیس و ناظران لوکزامبورگ آگاه شده و خواهان ادامه فعالیت BCCI شوند دفاع می کند، حسابرسان معتقدند میزان تقلب و دستکاری محدود بوده، مجلس سلطنتی ابوظبی با

تغییر در سرمایه و سهام بانک موافق بوده و گزارش حسابرسی نشان می‌دهد که نظر حسابرس براساس ضمانتها بعمل آمده از سوی ابوظبی بوده است و سنای آمریکا b1992 (صفحه ۲۷۵). با این وجود بررسی‌های مربوط به کنگره آمریکا برای تصمیم پرایس واترهاوس به نشان دادن حسابها و متهم کردن حسابسان همدست با ناظران بانک برای فریب افراد ضروری بود. مطابق با گزارش کنگره پیرامون کار

:BCCI

از طریق موافقت نامه، پرایس هاوس ابوظبی، BCCI و بانک انگلیس در اصل برنامه ای را پذیرفتند که در آن آنها درجه واقعی کارها را در بصورت (کارهای سری BCCI در اظهارنامه همکاری با یکدیگر در تلاش برای تغییر ساختار بانک برای جلوگیری از از بین رفتن فاجعه آمیز چند بیلیون دلار مورد پذیرش قرار دادند.

در باقیمانده سال ۱۹۹۰ و اوائل سال ۱۹۹۱، BCCI، بانک انگلیس و ابوظبی کاملاً مطابق برنامه برای حفظ بانک از طریق تغییر ساختار و تغییر در سهام و سرمایه عمل نمودند، در حالیکه پرایس واترهاوس به جمع آوری مدارک بیشتر دال بر تقلب و دستکاری آنها ادامه می‌دهد.

مارس سال ۱۹۹۱، بانک انگلیس از پرایس واترهاوس می‌خواهد گزارش محرمانه ای (معتبری) پیرامون عدم نظارت در BCCI ارائه کند. این گزارش مطابق بند ۴۱

قانون ۱۹۸۷ بانکداری انگلیس که ناظران را همراه با حسابرسی خارجی دقیق مجاز به انجام چنین بررسی در وضعیتهایی که ممکنست سپرده گذاران بانک در معرض خطر باشند می ساخت ترتیب داده شد.

این گزارش تحت عنوان Sandstorm Report روز ۲۲ ژوئن سال ۱۹۹۱ تکمیل و

جزئیات دستکاریهای انبوه از سری مقامات BCCI ظرف چند سال ارائه گردید.

نشستی از College of Regulators برای مد نظر قرارداد ۴ دستکاری عمده

توضیح داده شده در گزارش پرایس واترهاوس ترتیب داده شد. مطابق گزارش

Sand Storm, حدود ۶۳۳ میلیون دلار زیان مرتبط با معاملات خزانه و ۳۴۶ میلیون

دلار مرتبط با خرید غیرقانونی از سوی نامزدهای چند بانک آمریکا مشخص

گردید. حسابها و ترازنامه های BCCI برای لاپوشانی یک وام ۷۲۵ میلیون دلاری

به پاکستان مستقر در شرکت حمل و نقل دستکاری شد. بعلاوه 500 BCCI,

میلیون دلار از منابع (مالی) خود را برای کسب (خرید) ۵۶ درصد از سهام خود از

طریق یکسری معاملات پیچیده مورد استفاده قرار می دهد. ممکنست ضرر و زیان

نهایی در مازاد ۴ بیلیون دلاری بوده و افشاء نگری ابوظبی نسبت به BCCI و

فعالتهای وابسته حدود ۹/۴ بیلیون دلار تخمین زده می شود. همزمان با تکمیل

گزارش سنداستورم () , (Sandstorm Report) مقامات آمریکایی هم تحقیقات

جهت خرید فایل word به سایت www.kandooen.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۵۱۱ تماس حاصل نمایید

خود پیرامون فعالیتهای BCCI را به پایان رساندند. کمتر از دو هفته بعد از تکمیل

گزارش Sand Storm (توفان شن) روز ۵ جولای ۱۹۹۱، College of

Regulators به رهبری Bank of England رسماً جلوی فعالیتهای جهانی BCCI

را گرفت.

نتیجه BCCI : جهانی

تعطیلی BCCI از سوی College of Regulators برای بسیاری از کشورهای دیگر بعنوان عمل انجام شده ارائه شد. واکنش جهانی به تعطیلی BCCI به رهبری UK درهم آمیخته شد. مقامات BCCI عملیات بانکی شعبه در چند کشور شامل فیلیپین، کره، ژاپن و جنوب چین را به حالت تعلیق درآوردند. در بنگلادش، هند و هنگ کنگ، ناظران دولتی برای مسدود کردن دارایی های شعبه BCCI و توقف فعالیتها پا پیش گذاشتند. هنوز در این موارد، دولتها به شعبات بانک BCCI اجازه فعالیت بعنوان ناظران مورد بررسی برای راههای نجات شعبات محلی را دادند. BCCI در استرالیا و ماکائو تحت نظارت شدید دولت ادامه فعالیت می دهد. ۱۷ شعبه BCCI در امارات متحده عربی هم باز باقی ماند، همین طور سه شعبه در پاکستان باز بود، گرچه ناظران پاکستانی برای کناره گیری (از سمت) جهت ممانعت از ادامه فعالیت بانک تحت فشار بودند. (بررسی ۱۸ جولای سال ۱۹۹۱، Far Eastern Economic).

BCCI در تمام دنیا حدود ۱/۴ میلیون سپرده گذار داشت، بیشتر آنها ساکنان جنوب آسیا و مهاجران آسیایی بودند. دولت های بنگلادش، هند و پاکستان شدیداً دلواپس حفظ بانک نه تنها برای منافع سپرده گذاران بلکه بخاطر اینکه BCCI

فعالیت محلی مهمی در تأمین منابع مالی و فراهم آوردن سرمایه برای تجارتهای کوچک داشت. در سطح با وضوح کمتر، نشان BCCI بعنوان یک بانک جهانی با منشاء جهان سوم بعنوان یک مورد باعث غرور در کشورهای در حال توسعه تلقی می شد. با تلاش آن برای ترکیب کاپیتالیسم (نظام سرمایه داری) و حسن نیت اسلامی بعنوان متغیری برای بی توجهی فرهنگی تأسیس بانک غربی برخورد شد. در پاکستان که BCCI به لحاظ سیاسی بخوبی تداعی می شود و بزرگترین بانک در کشور با ۷۲/۰۰۰ سرمایه گذار است، ناظران مقامات بانک انگلیسی فرستاده شده برای بحث پیرامون تعطیلی را رد کرده و معلوم می شود آماده نجات بانک با خرید آن از بانک اعتباری و تجارت امارات برغم اعتراضات مدیران تصفیۀ انگلیس هستند.

تصمیم مؤسسه بانکداری غربی به بستن BCCI مورد انتقاد تجار و سپرده گذاران آسیایی که این اقدام را بعنوان اقدامی بسیار شتاب زده و خودخواهانه در بی توجهی اش به منافع غیرغربی تلقی نمودند قرار گرفت. بعضی ها BCCI را بعنوان بنگاهی جهان سومی تلقی نمودند که ناظران فرست ورلد بطور غیرقابل اطمینان در حق آن اجحاف کردند، درحالی که بقیه نژاد پرستی را در تعطیلی بانکی که

صاحبش عربها بوده، توسط پاکستانیها اداره می شد و بیشتر تجارتهايش را با تجار شبه قاره انجام می داد تلقی نمودند.

بسیاری فکر می کنند با آن بحران در صورتیکه BCCI یک بانک غربی بوده یا هماهنگی نزدیکی با منافع قدرتمند اقتصادی در سرمایه مالی جهانی داشت برخورد متفاوتی می شد. آنطور که یکی از مدیران تجاری اظهار می دارد:

در Salomon Brothers, در نامورا, در بانک Continental و بانک نیو انگلند, رؤسا در پیچ و تابند. اما آن سازمانها برنامه ای ندارند...مورد مشابهی در BCCI

انجام می شود. مطلقاً با افرادی که دفاتر را نادیده گرفته یا با سپرده گذاران بازی می کنند احساس همدردی نمی کنیم, اما BCCI در بکارگیری انجمن محلی بسیار خوب عمل نمود (۲۶ سپتامبر ۱۹۹۱ Far Eastern Economic Review, صفحه ۶۴).

انتقاد از از بین رفتن و فروپاشی BCCI به حسابرسان هم گسترش می یابد, خصوصاً در مورد بانک اعتبار و تجارت هنگ کنگ. برعکس اکثر فعالیتهای شعبه BCCI, BCCI ی هنگ کنگ بطور جداگانه در هنگ کنگ به ثبت رسیده (که در آن زمان مستعمره انگلیس بود) و با ناظران هنگ کنگی نظارت می شد. حسابهایش از طریق "مؤسسه جهانی" - پرایس واتر هاوس - حسابرسی می شد.

روز جمعه سی ژوئن ۱۹۹۱، دقیقاً روزهایی قبل از تعطیلی BCCI، بانک BCCI هنگ کنگ صورت‌های مالی سال ۱۹۹۰ خود را منتشر نمود. بانک ضرر ویژه ۴۳۱ دلاری هنگ کنگ را در نتیجه ثبت دفتری خسارت کلان وام حفظ می کند که در نقض حفظ استلزامات و ضروریات بدون تزریق سرمایه کلان از سوی ابوظبی مطرح می شود. بلافاصله قبل از امضای حسابها، دولت ابوظبی پول مورد نیاز و نامه تأیید (نامه پشتیبانی) را برای مطمئن ساختن حسابرسان از قصدش به فراهم ساختن ساپورت مالی مورد نیاز برای قادر ساختن BCCI هنگ کنگ به ادامه تجارت صادر می کند. براساس این تعهد (وثیقه) پرایس واترهاوس حسابهای BCCI هنگ کنگ را پایان می دهد، درست مثل اینکه پرایس هاوس یکسال قبل روی حسابهای تلفیقی BCCI انجام داده بود.

زمانیکه حسابهای BCCI هنگ کنگ امضاء شدند، پرایس واترهاوس (UK) - انگلیس) تقریباً براتهای گزارش سنداستورم خود را برای بانک انگلیس تکمیل کرده از دستکاری کلان در BCCI آگاه شد. روز دوشنبه اول جولای مقامات بانکی هنگ کنگ برای شرکت در نشست College Regulators جائیکه نتایج تحقیقات پرایس واترهاوس از BCCI مورد بحث قرار می گرفت پرواز کردند. دو روز بعد، اعضای هیئت بانک اعلام کردند که نتایج این نشست نشان دهنده آن

است که مشکلاتی وجود دارد که ما قبلاً از آن در گروه BCCI آگاه نبودیم. معهذاً، مقامات بانکی هنگ کنگ به مردم اطمینان دادند که مدرکی دال بر دستکاری در BCCI هنگ کنگ وجود نداشته و اینکه این بانک تنها با بقیه گروه BCCI معاملات و برخوردهای کمی داشته است. روز جمعه ۵ جولای، اعضای کمیسیون به سپرده گذران اطمینان بیشتری دارند مبنی بر اینکه Exchange Fund "کارشناس یولی هنگ کنگ" به سرمایه گذاری کردن در صندوقهای BCC هنگ کنگ ادامه می‌دهد. قول حمایت از سوی Exchange Fund بعداً از سری مطبوعات بعنوان "تلاش حساب شده برای گول زدن مردم" تعبیر شد: پس در روز دوشنبه ۸ جولای ۱۹۹۱، دارایی‌های BCC هنگ کنگ مسدود و فعالیت‌هایش معلق گردید.

در نتیجه تعطیلی، مطبوعات و سپرده گذاران دولت انگلیسی هنگ کنگ را برای ناتوانیش به حفظ BCC هنگ کنگ همچنانکه این دولت در دیگر بانکهای هنگ کنگ قادر به اینکار نبود و برای تکیه بیش از اندازه اش به کار حساب‌رسان BCC هنگ کنگ مورد انتقاد قرار دادند. در هنگ کنگ مثل یکسال قبل انگلیس، کشور و حسابداران برای پیگیری حس نادرست اطمینان افراد به BCC هنگ کنگ عمل نمودند درست همان زمانیکه نتایج گزارش Sandstorm (توفان شن)

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

همگانی شد. تصمیم پرایس واترهاوس به امضای صورتهای مالی BCC هنگ
کنگ در زمانیکه پرایس واترهاوس کاملاً از هدف دستکاری در گروه BCC آگاه
بود هم سؤالاتی را پیرامون رابطه میان اطلاعات سهام و میزان اطلاعات سهام در
میان دفاتر شرکتهای حسابداری بین المللی مطرح می سازد. معلوم است که با
شرکای هنگ کنگ حسابهای سال ۱۹۹۰ BCCHK با شناخت کلاهبرداری کلان
در گروه BCC را مورد تأیید قرار می دهد یا اینکه پرایس واترهاوس - انگلیس از
آگاهی دادن به پرایس واترهاوس - هنگ کنگ از نتایج تحقیقاتش از BCCI
ناتوانست.

نتیجه BCCI : انگلیس

در زمان تعطیلی (بانک)، BCCI در انگلیس ۲۵ شعبه داشت با سپرده گذاری بالغ بر ۱/۸۵ بیلیون دلار سپرده های ساکنان انگلیس از سه دوره ای که بصورت واحد استرلینگ در حدود ۵۳/۰۰۰ حساب بوده بالغ بر ۲۴۰ میلیون پوند می باشد. گرچه این بانک بعضی مشتریان دارای سهام ممتاز داشت، مسئولیت انگلیسی او را به بررسی کیفیت کار حسابرسان حسابهای BCCI انجام شده ظرف سالها در لندن یا گایمن یا هر جای دیگر، یا قضاوت پیرامون اینکه آیا عدم نظارت در تجارت و معاملات بانک باید از سوی حسابرسان قبلی معلوم می شد و سوسه نکرده است (بینگهام ۱۹۹۲ صفحه ۱۱۱). گزارش حاصله (بعد از گزارش بینگهام) براساس مدارک کتبی و شفاهی از بیش از ۲۰۰ شاهد، شامل مؤسسه حسابداران رسمی در انگلیس و والز (ICAEW) بوده است. در زمینه پرس و جود، موضوع اینکه آیا حسابرسان بجای حق گزارش دهی به ناظران وظیفه خواهند داشت دوباره مورد بررسی قرار می گیرد. (به مورد میشل ۱۹۹۱ مراجعه کنید).

در ارائه مدرک (بصورت کتبی یا شفاهی)، ICAEW از وضع موجود حمایت کرده و با ضرورت حسابرسان به داشتن وظیفه قانونی برای گزارش قلب و بی نظارتی ها به ناظران مخالفت می نماید. اما قاضی بینگهام مورد ICAEW رارد

کرده و توصیه می کند که وظیفه قانونی به گزارش دستکاری به ناظران به حسابرسان تحمیل شود. در نتیجه، دولت (6 Hansard, نوامبر ۱۹۹۲, - ۲۳۵ cols 594) قانون وضع کرده و وظیفه گزارش دستکاری و عدم کنترل بر حسابرسان تمام بخشهای مالی شامل بانکها، شرکتهای بیمه، سرویسهای مالی، صندوقهای بازنشستگی تحمیل شد.

در بحران قبلی بانکی، دولت انگلیس ناظرانی را برای بررسی دستکاری (حسابهای بانکی / نقص بانکی مصوب کردند و نقشی توسط حسابداری و حسابرسی در چنین مواردی بازی می شود (مثلاً به بخش تجارت، ۱۹۷۶، ۱۹۷۷ مراجعه شود، همچنین به مورد Willmott و 1995، Sikka مراجعه کنید). با این وجود، این زمان کار بررسی موارد حسابرسی به عهده انجمن حسابداران رسمی در انگلیس و والسز گذاشته شده است، بنابراین این انجمن ناظر صنعت حسابرسی بدنبال اجرای قانون ۱۹۸۹ شرکتها تلقی می شود. سرانجام کار تحقیق رفتار حسابرسی BCCI بخصوص پرایس واترهاوس از سوی ICAEW با طرح انضباطی مشترک به تصویب رسید و تحقیق و بررسی احتمالی اعلام شد. پرایس واترهاوس به موردی که هر عملی توسط ICAEW می تواند نتیجه دعوی حقوقی علیه او را خصوصاً از

سوی مدیر تصفیۀ BCCI تحت تأثیر قرار دهد اعتراض می کند. (حسابدار، جولای ۱۹۹۳ صفحه ۲).

روز ۲۷ جولای ۱۹۹۳، دادگاه بخش درخواست پرایس واترهاوس را رد می کند. پرایس واترهاوس علیه این تصمیم فرجام خواسته و این درخواست روز ۲۱ دسامبر ۱۹۹۳ تأیید می شود. دادگاه حکم به ممانعت JDS از حسابرسی مورد اقامۀ دعوی می دهد تا اقدام قانونی صورت گرفته از سوی مدیر تصفیۀ BCCI انجام شود. روز ۲۸ آوریل ۱۹۹۴، JDS به دنبال آغاز موردی برای مجلس اعیان است بالاترین دادگاه در انگلیس، اما اجازه درخواست فرجام از مجلس اعیان رد شد. (صفحه ۱۴ ژوئن ۱۹۹۴، حسابداری؛ صفحه ۵، ژوئن ۱۹۹۴ حسابداران). با این وجود، بعد از سپتامبر ۱۹۹۸، رفع اختلاف ۱۱۷ میلیون پوندی با مدیران تصفیۀ BCCI Touche و Deloitt و تحقیق و بررسی هنوز ممکنست صورت بگیرد.

نتیجۀ BCCI : آمریکا

کمیسیون فرعی مجلس سنای آمریکا در مورد تروریسم، مواد مخدر، و عملیات جهانی شروع به تحقیق پیرامون قاچاق مواد مخدر و پول شویی در فوریه سال ۱۹۸۸ می نماید. در مسیر تحقیقاتشان، هم کرسی های کمیسیون فرعی، سناتور کری و سناتور براون، نقش BCCI را در فعالیتهای غیرقانونی معین کرده و مدیران بانک

برای شهادت دادن احضار شدند. بعد از اینکه BCCI تعطیل شد، کمیسیون فرعی تحقیقات خود را گسترده کرده و اسناد و موارد مثبتی مرتبط با تعطیلی BCCI شامل گزارشات حسابرسی پرایس واترهاوس و (بخش هایی از) کاربرگهای حسابرسی و نوع سانسور شده گزارش سنداستورم که در انگلیس منتشر نشد فرا خوانده شد.

گزارش پایانی کمیسیون فرعی (بعد از گزارش کری و براون) مشخص کننده میزان بالای اقدامات کیفی از سوی BCCI و مقامات آنست. این گزارش همچنین به توجه بالا به ضعف فرآیند حسابرسی که ناظران برای نشان دادن درستی و صداقت مالی BCCI تکیه نمودند اختصاص دارد. گزارش به این نتیجه می رسد که حسابداران BCCI از حفظ و حمایت از سپرده گذاران و طلبکاران بی گناه در نتیجه ضعف اقدامات در بانکی که حسابرسان سالها از آن آگاه بودند ناتوانند (سنای آمریکا b1992 صفحه ۴). سناتورهای عنوان می کنند که پرایس واترهاوس شناخت کافی از ضعف و ناتوانی کنترل داخلی در رکوردهای BCCI برای قادر ساختن آنها به طرح اظهار نظر مشروط حسابرسی در اوائل سال ۱۹۸۷ داشته است (صفحه ۴ و فصل ۱۰). حسابرسان نمی پذیرند و اصرار می ورزند که مدیریت BCCI آنها را فریفته است.

گزارش مجلس سنا، پرایس واترهاوس (UK) را برای ضعف در انجام تحقیقات جامع از ضررهای خزانه که در سال ۱۹۸۵ معلوم گردید، برای ناتوانی به آگاه ساختن مقامات US یا پرایس واترهاوس آمریکا از نقض قوانین بانکی آمریکا توسط BCCI، و برای تصمیمشان به صدور گزارش مقبول در سال ۱۹۹۰ بعد از اینکه آنها به بانک انگلیس پیرامون عدم نظارت در BCCI خبر دادند مورد انتقاد قرار می دهد. علاوه بر الگوهای ضعیف حسابرسی، بررسیهای سنا این حس را ایجاد می کند که حسابرسان، استقلال خود را با پذیرش وامهای ۵۸۷/۰۰۰ دلاری و ۵۰/۰۰۰ دلاری صورت گرفته از سوی BCCI به شرکای پرایس واترهاوس در گاریبیان به خطر انداختند، پرداخت ۱۰۰/۰۰۰ دلاری از سری وابسته BCCI به شریک پرایس واترهاوس که قبلاً به حسابرس گراند گایمنز وابسته بود، و پذیرش منافع نسبی مورد ادعا و مسکن فراهم آمده از سوی BCCI در گراند گایمانز صورت گرفت.

از تحقیق سناتورها با ناتوانی به دستیابی به اسناد و مدارک از پرایس واترهاوس ممانعت شد. در حالیکه پرایس واترهاوس همکاری کرده و تمام منابع دسترسی را فراهم می سازد، شناخت یا مسئولیت در قبال حسابرسی BCCI را که ادعای داشتن مسئولیت در قبال پرایس واترهاوس را داشت انکار می کند. گرچه

حسابرسی BCCI با این بیان که پرایس واترهاوس "به لحاظ جهانی یکپارچه و متحد است" را تضمین می کند در مواجهه با تحقیق اساسی، ادعاهای یکپارچگی و اتحاد جهانی منحل می شود. پرایس واترهاوس در جستجوی حفظ محققان آمریکایی با توجه به قصادش بعنوان مؤسسه حسابرسی ملی انگلیس است. پرایس واترهاوس (UK-انگلیس) اطاعت از احضاریه های سنای آمریکا برای بررسی کاربرگهای حسابرسی اش اقناع کرده و از شهادت دادن در حضور کمیته فرعی سنا در زمینه هایی که گزارش های حسابرسی از سوی حقوق بانکداری انگلیس مورد حمایت قرار گرفته و زمینه هایی که شریک انگلیسی پرایس واترهاوس در ایالت متحده تجارت نکرده و نمی توانند از طریق احضاریه بدان برسند امتناع می ورزد. در یادداشت تاریخ ۱۷ اکتبر، پرایس واترهاوس (آمریکا) توضیح می دهد که الگوی بین المللی شرکت برپایه توافق بدون انسجام در میان مؤسسات مستقل و آزاد تحت تابعیت صرف حقوق داخلی قرار داد:

۲۶ مؤسسه پرایس واترهاوس مستقیماً یا از طریق شرکتهای وابسته پرایس واترهاوس در بیش از ۹۰ کشور در تمام جهان فعالیت می کنند. شرکتهای پرایس واترهاوس مستقل بوده و واحدهای (مؤسسات) حقوقی مستقلی اند که فعالیتشان منوط به حقوق و تعهدات کاری کشوری است که در آن فعالیت می نمایند...

هیچ شریکی از PW-US شریک مؤسسه پرایس واترهاوس در انگلیس نیست، هر مؤسسه پارتنر (شریک) رده بالایش را خود انتخاب می کند، هیچ شرکتی دیگر را کنترل نمی کند، هر مؤسسه ای کارکنان را بطور جداگانه استخدام کرده خدمت و کارکنان حرفه ای و اداریش را منقضی می کند... هر مؤسسه مشتریان خود را دارد، مؤسسات در درآمدها یا دارایی های خود شریک نبوده، و هر کدام جداگانه دارایی سرپرستی و کنترل بر دفاتر و گزارشات شامل کاربرگهای حسابرسی را حفظ می کنند. رابطه مستقل و آزاد مشابهی میان PW-US و مؤسسات پرایس واترهاوس با فعالیت در لوکزامبورگ و گراند گایمان ایجاد می شود.

کمیته فرعی سنا سرانجام قادر به تضمین ثبت حسابرسی قسمتهای پرایس واترهاوس از فدرال ری سرو (بانک مرکزی) و سایر منابع شد. گرچه بانکداران اصلی در بانک مرکزی هدف دستیابی به اطلاعات حسابرسی مطمئن داشتند، کمیته نظارت مربوط به کنگره درمی یابد که قدرتی برای مجبور کردن پرایس واترهاوس به انتقال تمام اطلاعات ندارد. در آخرین گزارش خود (Us senate 192b,p287) سناتور براون و سناتور کری متذکر میگردند که:

یکی از مشکلات بزرگ در افشای کلاهبرداری BCCI در قبال ناظران و تحقیق کنندگان این حقیقت بوده است که این کلاهبرداریها به طرق مختلف و اختیارات

معمول رخ می دهد، در حالیکه فعالیتهايش با شرکت های حسابداری داخلی

حسابرسی می شود. در نتیجه آنها می پرسند :

آیا ساختار فعلی مؤسسات حسابداری بعنوان شرکتهای حسابداری مستقل، با اختیار

و توانایی محدود شده به مردم بصورتی که به آنها اجازه داده می شود برای برخورد

با ایرادهای مطرح شده از سوی یک بازار مالی بین المللی مناسب و کافیت.

کمیته فرعی ساختار جدیدی را برای مؤسسات حسابداری بین المللی مورد تأکید

قرار داده و سه روش را که می تواند اتخاذ شود تعیین می کند. هر یک از دو

شرکت بین المللی می توانند داوطلبانه توافق شراکتشان را برای فراهم ساختن

اطلاعات مشترک با ناظران خارجی تغییر دهند، یا ایالت متحده (و احتمالاً

کشورهای دیگر) می تواند بطور یک جانبه مؤسسات حسابداری را به دستیابی به

چنین توافقهایی با شریک بین المللیشان بعنوان شرط مجوز ملزم سازد. روش سوم

تصویب قانون برای منع نمایندگی کشور یا ناظران آن از تکیه بر گزارشات

حسابرسی فراهم آمده از سوی هر شرکت حسابداری که در آمریکا مجوز ندارد

است (سنای آمریکا، 1992، b، صفحه ۲۸۸). علی رغم نگرانی کمیته فرعی در

مورد ساختار فعالیتهاى حسابرسی بین المللی، قانونی برای اجرای تمام این

پیشنهادات ارائه شده است.

موضوع مسئولیت حسابرسان برای گزارش کلاهبرداری و تقلب از سوی قانون
ارائه شده در آگوست ۱۹۹۱ مطرح می شود. Bill 1991 نیاز به حسابرسان آزاد
برای گزارش تقلب به ناظران داشته و به SEC اختیار می دهد با حسابرسان مستقل
مشتریان خود را بعنوان موردی لازم برای حمایت از سرمایه گذاران مورد تحقیق و
بررسی قرار دهند. (گزارش بین المللی نظارت بر اوراق بهادار، ۱۲ آگوست
۱۹۹۱). این پیشنهاد در قانون بانکداری سال ۱۹۸۷ انگلیس الگو قرار گرفت که
بانک انگلیس را قادر به توجه پرایس واترهاوس به اجرای بررسی و تحقیق
سنداستورم که BCCI را به تعطیلی کشاند نموده است. گرچه وزود Bill از
طریق رسوایی BCCI بالا گرفت، این امر انعکاس دهنده نگرانی سابقه دار کنگره
پیرامون گزارش تقلب حسابرس است.
در نتیجه رسوایی های پس انداز و وام، یکسری از پیشنهادات قانونی الزام آور برای
گزارش تقلب به کنگره در آغاز نیمه دهه ۱۹۸۰ ارائه گردید. با انعکاس قدرت
گروه فشار حسابداری، Bill ۱۹۹۱ با شکست مواجه شده و بیانیه تا انتقال قانون
۱۹۹۵ اصلاح دعوی قضایی اوراق بهادار خاص به تعویق می افتد.

مؤسسه حسابداران عمومی رسمی فشار زیادی بر قانون اصلاح دعوی قضایی اوراق
بهادار خصوصی که بدو با محدود ساختن مسئولیت حسابرس ارتباط دارد وارد

می سازد. در عوض برای حفظ مسئولیت، حسابرسی ماده ای از قانون را که اختیار کمی را برای گزارش فعالیت های غیرقانونی ناظران بوجود می آورد می پذیرد. حقوقدانان متذکر می شوند که ماده باصطلاح Whistleblower قانون، وظیفه مسئولیت حسابرسان را نسبتاً سنگین باقی می گذارد، از اینرو این الزام به وضعیتهایی محدود می شود که اعمال غیرقانونی تأثیر اساسی بر گزارشات مالی داشته (در رأی حسابرس) مدیران شرکت از اتخاذ اعمال جبرانی مناسب ناتوان باشند. AICPA حوزه حقوقی را بسیار با موشکافی تفسیر می کند. مطابق با سخنگوی AICPA، قانون جدید صرفاً مسئولیت جاری حسابرس در قبال کشف تقلب اساسی و اعمال غیرقانونی دارای تأثیر مستقیم را وارد کرده و قالب زمانی یافته های حاصل از گزارش به SEC را در صورتیکه چنین گزارشی لازم باشد را کاهش می دهد.

گرچه بعداً معیار حسابرسی جدیدی پیرامون تقلب انتشار یافت و گزارش پیرامون معیار و استاندارد حسابرسی (SAS) شماره ۸۲، صرفاً وضعیت پیشین صنعت را تکرار می کند که:

افشای تقلب احتمالی برای افرادی غیر از مدیریت ارشد مراجع و انجمن حسابرسی
اش معمولاً جزء مسئولیت حسابرس بحساب نیامده و بطور عادی با تعهدات قانونی
و اخلاقی رازدار بودن حسابرس جلوی آن گرفته می شود.

استاندارد شماره ۸۲ (صفحه ۲۸) صرفاً اظهار می دارد که "وظیفه افشای خارج از
واحد تجاری ممکنست با موارد حقوقی و الزامات خاصی منطبق باشد. یک مرجع
زیرنویس برای قانون ۱۹۹۵ اصلاح دعوی حقوقی اوراق بهادار خصوصی صورت
گرفته است، اما مواد خاص بند Whilste blower توضیح داده نمی شود. با ارائه

محدودیت های قانون ۱۹۹۵ و تفسیر پائین صنعت حسابرسی گزارش آن، مؤسسات
حسابرسی در حال فعالیت در آمریکا تحت تعهد گزارش دهی پائین تری برای
دستکاری و تقلب به ناظران بانک نسبت به همتای انگلیسی اند. بعلاوه، استلزام
رازداری AICPA از مؤسسات حسابداری US برای ارائه گزارشات تحقیقی از
ناظران بانک مشابه گزارش سنداستورم که به افشای تقلب در BCCI پرداخته و
موجب تعطیلی آن می شود جلوگیری می کند.

بحث

در فصل آخر مقاله به دو سؤال برمی گردیم. آیا افراد تسلیم بی قدرتی جهانی سازی می شوند؟ آیا تجارت جهانی می تواند با تکیه بر حسابرسی خارجی کنترل شود؟ پاسخ به این سؤالات با مورد مطالعه ما در رابطه با تعطیلی اجباری BCCI ارائه می شود.

مورد مطالعه ما نشان می دهد که برای فعالیت در غرب، BCCI باید نظارت و تعهد محاسباتی غربی منطبق باشد. این امر پذیرش حسابرسی سالانه را از طریق مؤسسات بین المللی شامل می سازد. برغم بی میلی قابل توجه، کالج رگیولیترز (College of Regulators)، BCCI را کنترل می کند. از طرف UK، بانک انگلیس بازیگر اصلی در تصمیم گیری به بستن BCCI است. کشورهای غیر غربی (مثل آفریقا و شبه قاره هند) بسادگی انتظار پیگیری دعوی را دارند. تأثیر بستن BCCI مطابق با شرایط محلی جوامع مختلف متفاوتست. واکنش هر دولتی خواه در جهت حفظ بانک باشد یا سقوط آن، بستگی به شرایط منطقه ای دارد. هر دولتی گامهای متفاوتی برای تجزیه و تحلیل این مورد و آگاهی دادن به افراد برمی دارد. متعاقب رسم گستردگی بیشتر و بررسی عمومی، مقامات آمریکایی متعهد به رسیدگی های مقدماتی و بررسی جزئیات بستن BCCI می شود. برعکس در انگلیس این بررسی

نسبتاً محدود است. گزارش بینگهام نتیجه رسیدگی گسترده نبوده و اطاعت از آن شخص باقی می ماند. در حالیکه مقامات انگلیسی و آمریکایی در تصمیم گیری به بستن BCCI همکاری دارند، آنها به منافع داخلی هم حساس باقی می مانند. مقامات انگلیسی به ارائه کپی کاملتری از گزارش سنداستورم، (توفان شن) به مقامات آمریکایی تمایلی ندارند. سرانجام یک کپی بدست آمده و عموماً در آمریکا قابل دستیابی گردید. برعکس، انگلیس با نشست پنهان کاری اش از ارائه گزارش موجود برای بررسی کلی ناتوان می ماند.

در انگلیس، غالباً موارد حسابرسی عامل بررسی مستقل نمی باشد. در بهترین حالت، بررسی از سوی انجمن حسابداران رسمی در انگلیس و والنز و / یا سایر نهادهای حسابداری (مثل طرح مشترک نظارت) که الزاماً مستقل از مورد حسابرسی نیستند صورت می گیرد. در آمریکا از تحقیقات کنگره پیرامون نقش حسابداران با امتناع پرایس واترهاوس انگلیس به اطاعت از احضاریه آمریکا پیرامون موارد قضایی جلوگیری می شود. در نتیجه محققان آمریکایی با یکسری از گزارشات محدود و گزارشات صابونی که دلیل بر فعالیت مؤسسات حسابرسی است کار می کنند.

حسابرسان و پرایس واترهاوس، تأکید می کنند که آنها از سوی مدیریت BCCI ظرف یکدوره ۱۹ ساله فریب خوردند. در دفاع از تصمیم خود به ادامه فعالیت

بعنوان حسابرس و امضای صورتهای مالی سال ۱۹۸۹ BCCI, بعد از اینکه آنها به مقامات بانک خبر از تقلب مشکوک در سال ۱۹۹۰ را دادند, حسابرسان ادعا می کنند که آنها به قولهای دولت ابوظبی برای ضمانت BCCI تکیه کرده و این حقیقت را که نظرشان براساس چنین تعهدی بوده آشکار می کنند. برعکس, بررسیهای کنگره این نتیجه را داده که حسابرسان از حمایت از سپرده گذاران و طلبکاران بی گناه BCCI در نتیجه الگوی قبلی در بانکی که حسابرسانش از سالها (از تقلب) آگاهی داشتند ناتوانست (براون و کری صفحه ۴). بعلاوه مقامات آمریکایی اظهار می دارند که در انتشار گزارش حسابرسی صورتهای مالی ۱۹۸۹, حسابرسان با ناظران انگلیسی و صاحبان ابوظبی در برنامه ای برای مخفی نگهداشتن مشکلات BCCI در حالیکه برای تجدید سازمان تلاش می شد همکاری داشتند.

گرچه مسئولیت پرایس واترهاوس در قبال ضررهای تحمیل شده به سپرده گذاران BCCI جهت بحث مفتوح باقی می ماند, از قضیه BCCI پیرامون اثرات جهانی سازی بر رابطه حرفه ای-ملی و توان ارتباط ملی/حسابداری برای حفظ منافع اجتماعی در نظارت بر بانکهای جهانی نتایجی قابل رسم است. بسیاری از جنبه های قضیه BCCI, نگرانیهایی را پیرامون شیوه های حسابرسی که یا در بافت داخلی یا بین المللی ظهور می یابد ایجاد می کند. مثلاً نگرانیها پیرامون استقلال

حسابرس، خصوصاً در مواردیکه واحدهای حسابرسی همزمان بعنوان حسابرسان خارجی و مشاوران مدیریتی عمل می نمودند، هم برای حسابرسان داخلی و هم بین المللی مشترک است. بهمین ترتیب، مشکل تعیین مسئولیتهای اجتماعی حسابرس، وظیفه شان در قبال گروهایی (شامل سهامداران) که به گزارششان تکیه می کنند و وظیفه شان به گزارش پیرامون تقلب به ناظران مدتها از موارد نگرانی کشورهای جویای الگوهای حسابرسی داخلی نظارت می باشد. با این وجود، جهانی سازی چند مشکل جدید را به مشکل تعیین مسئولیتهای کلی حسابرس می افزاید.

ظهور مجدد بازارهای مالی بین المللی یکپارچه بدین معناست که بیشتر مردم در سراسر دنیا در مناطق به لحاظ جغرافیایی و قضایی گسترده تر ممکنست حسابرسی صادر شده از سوی حسابرسان خارجی تکیه کنند. توافقیهای بین المللی در مورد کنترل بانکی و نظارت بر بانک ساختار نظارتی را ایجاد نموده که توجه را بر حسابرسی گزارشهای مالی قرار داده است. توافق بیسل، سیستم نظارت داخلی تلفیقی را به اجرا می گذارند که تصریح می کنند که شعبات بانک فعالیت کننده در خارج از حوزه قضایی شان از طریق کشورشان نظارت می شوند. بنابراین چون نظارت با قابلیت دسترسی گزارش مالی تلفیقی حسابرسی شده امکانپذیر می شود، مؤسسات حسابرسی بین المللی ایفاگر نقش شبه نظارتی در کنترل بانک جهانی

تلقی می‌شوند. در بسیاری از کشورها، نظیر انگلیس ناظران بانک شدیداً بر کار حسابرسان خارجی تکیه می‌کنند. حتی در کشورهایی که حسابرسان رسمی بانک را بکار می‌گیرند، حدود قضایی مانع از فرستادن حسابرسان دولتی کشور به شعبات حسابرسی بانکهای فعال در خارج می‌شود. بنابراین، مقامات سیاسی دولت و ناظران بانک تکیه قابل توجهی بر گزارشات صادر شده از سوی شرکتهای حسابرسی/حسابداری چند ملیتی خصوصی که ادعای داشتن ساختارهای نهادی لازم برای حسابرسی صورتهای تلفیقی بانکهای جهانی پرسرعت را دارند قرار داده است.

کار تعیین حوزه مسئولیت حسابرسان برای گروههای خارجی ای که بر گزارششان تکیه می‌کنند، در زمینه بانکداری ای که گروههایی غیر از سهامداران منافع زیادی در یکپارچه سازی حسابهای بانکی می‌برند، اهمیت خاصی دارد.

در اقتصاد امروز، گروههای بهره‌مند نه تنها سپرده گذاران بانک اند، بلکه افراد عادی ای هم هستند که در نهایت به تضمین و حفظ بانکهای درمانده به لحاظ مالی با دلارهای مالیاتی یا حفظ نتایج اختلالات اقتصادی ایجاد شده از طریق ورشکستگی بانک نیازمندند. در وضعیت BCCI، سپرده گذاران و مقامات بانک در ۷۳ کشور تکیه بر صورتهای مالی مشخص شده از طریق پرایس واترهاوس انگلیس دارد. معهدا، معمولاً حسابرسی مسئولیت اولیه اش را بعنوان وظیفه در قبال

سهامداران بانک (مثل بانک بعنوان فرد حقوقی و نه سهامداران خاص) بجای سپرده گذاران یا سایر گروههای ذی نفع تعریف می کنند. این مشکل در بافت بین المللی، نه فقط به خاطر حوزه قضایی جغرافیایی متکی بر گزارش حسابرسان، بلکه بخاطر حدود قضایی شکل حادثی بخود می گیرد. گرچه کشورهای خاص وظایف محدود شده ای را بر حسابرسان داخلی اعمال می کنند، نظیر وظیفه تحمیل شده بر حسابرسان انگلیسی برای گزارش تقلب به مقامات بانکی انگلیس، چنین وظایفی از کشوری به کشور دیگر یکسان نبوده و به آنسوی مرزهای ملی کشیده نمی شوند. در مورد BCCI، حسابرسان انگلیسی تعهد قابل اجرایی برای سپرده گذاران، مقامات بانک یا واحدهای سیالی خارج از انگلیس ندارند. شگفت اینکه نه گزارش مجلس سنای آمریکا نه گزارش بیلنگهام انگلیسی سؤال عمده ای در رابطه با انتصاب مؤسسات جهانی برای ناظران داخلی و بین المللی و تعهداتشان به افراد بطور گسترده مطرح نمی شود....

مورد BCCI نشان می دهد که ساختار مؤسسات حسابداری / حسابرسی بین المللی احتمالاً برای برآورده ساختن نیازهای بازارهای مالی بین المللی منسجم در حال نظارت نا مناسب است. بیشتر مؤسسات حسابداری خود را بعنوان مؤسسات بین المللی و جهانی به بازار عرضه میکنند، اما چنین ادعایی در صورت بررسی دقیق

از بین می رود. این مورد هم بیشتر ادعای جهانی بودن مؤسسه را زمانیکه عنوان می شود که دفاتر شراکتی مختلف پرایس واترهاوس، آرایش کافی برای تقسیم اطلاعات حساس میان دفاتر یا با ناظران خارجی ندارند، ضعیف می کند. شرکای هنگ کنگی پرایس واترهاوس صورتهای مالی ۱۹۹۰ BCCHK را بدون شناخت از اینکه پرایس واترهاوس - انگلیس برات گزارش سنداستورم دال بر قلب کلان در گروه BCCI را کامل نموده داشته باشند امضاء می کند. بهمین ترتیب پرایس واتر انگلیسی، پرایس واتر آمریکا یا مقامات بانکی آمریکا را زمانیکه از تحصیل سهام آمریکایی غیر قانونی مطلع می شود، آگاه نمی سازد. در نتیجه پرایس واتر انگلیس از همکاری با تحقیق مربوط به کنگره پناه گرفتن BCCI در قوانین پنهانی بانک انگلیس امتناع می ورزد. گرچه پرایس واتر آمریکا در انقیاد حوزه قضایی کنگره است، آنها خود را بعنوان مؤسسه مستقلی که توافقیهای شراکتی اش با پرایس واترهاوس انگلیس به آنها اختیار مجبور ساختن پرایس واترهاوس انگلیس به اطاعت از احضاریه های آمریکا را نمی دهد نشان می دهد.

در حالیکه این مشکلات نشان می دهد که ساختارهای موجود برای نظارت بر فعالیتهای مؤسسات حسابداری بین المللی ناکافیست، نمی توانیم پی به حالت موجود فعالیتهایی که افراد توانایی نظارت بر شرکتهای حسابداری بین المللی

ندارند ببریم. تمام دولتها توانایی تکنیکی و سیاسی برای کنترل مؤسسات حسابداری بین المللی یا از طریق توافقه‌های چند جانبه یا اقدامات دولتی یک جانبه را دارند.

اقدام نکردن پیرامون توصیه های کری و براون برای اصلاح ساختار الگوهای حسابرسی بین المللی در حال نظارت به جای هرگونه محدودیتهای تکنیکی بر توانایی دولتها به تنظیم سرمایه نشان محدودیتهای سیالی است. واقعیتهای ژئوپلیتیکی نشان می دهد که یک توانی چند جانبه بر نظارت حسابرسی نیازمند حمایت مالی قدرتهایی نظیر آمریکا، اروپا و ژاپن است. بحث اینکه آیا این قدرت ما توافقه‌های چند جانبه برای پاسخگویی مؤسسات حسابرسی داخلشیان به قدرتهای سیالی در جوامع کوچکتر ایجاد کرده و تضمین نمایند، به جای اینکه عوامل تکنولوژی غیر شخصی یا بازارهای جهانی باشد، موضوعی ژئوپلیتیکی است.

اقدامات یک جانبه نظیر آنچه که از طریق کمیته فرعی کری و براون پیشنهاد شده، احتمالاً در مقایسه با توافقه‌های چند ملیتی اجرای ساده تری دارد. با این وجود، آنها هم در کشورهای غنی و هم ضعیف با مشکلات سیاسی مواجهه می شوند. بعنوان شرط بهره مندی از بازار حسابرسی خارجی تضمینی دولتی، ملتها می توانند تأکید

ورزند که مؤسسات حسابداری داخلی توافقیهای مشترک بین المللیشان را اصلاح کرده و با ناظران بین المللی همکاری کنند. آنها می توانند قوانین بازدارنده مقامات بانک از تکیه بر گزارشات حسابرسان خارجی ای که از گردن نهادن به قوانین ملی امتناع می ورزند وضع کنند. با این وجود کشورهای دارای قدرت کمتر، ممکنست تمایلی به به خطر انداختن سرمایه های خارجی جاری با حذف بانکهای خارجی ای که حسابرسانشان از برسمیت شناختن قوانین داخلی امتناع می ورزند نداشته باشند.

در حدود کشورهای به لحاظ اقتصادی قدرتمند، چنین اقدامات یک جانبه ای احتمالاً با مخالفت سیاسی داخلی با حسابداری و بانکهای بین المللی مستقر در داخل (کشور) مواجه می شود. مثلاً در آمریکا، بانکهای چند ملیتی مستقر در آن معمولاً به هر گونه نظارت یک طرفه بانکهای خارجی که ممکنست درخواست پاسخ متقابل از سوی دیگر کشورها کرده و منجر به اعمال محدودیتهایی بر عملیات بانکی آمریکا در دیگر کشورها شود اعتراض و مخالفت می کنند.

در حالیکه بستن بانک BCCI نشان می دهد که مقامات بانکی غرب، با کمک حسابرسان، قادر به برقراری نظم در بانک جهانی هستند که ظاهراً خارج از دسترس کشور و تنهایی عمل می کنند. تفاوتی باید میان تواناییهای تکنیکی و سیاسی گروههای حسابداری - دولتی صورت بگیرد. در پاره ای موارد، قضیه BCCI،

حکایت قضیه جوامع غربی و تأسیس بانک غربی گسترش دهنده منافعشان بر منافع کشورهای کوچکتر است.

خارج از شمال آمریکا و اروپا، تصمیم بانک انگلیس (Bank of England) به بستن BCCI در زمینه هایی که مقامات بانکی غرب به بستن بانک جهان سوم بسیار سریع عمل نمودند در حالیکه بانکهای مشکل دار دیگری کمک دولتی دریافت داشته و فرصت سرمایه گذاری مجدد و تجدید سازمان داشتند مورد انتقاد قرار گرفتند. با این وجود، اپیزود BCCI صرفاً قضیه شرق علیه جنوب نیست. این اپیزود، تأثیر سیاسی منافع طبقاتی را در جوامع مشخص می سازد. مثلاً، حمایت دولت از اقدام به تجدید سازمان، به جای بستن شعبات بانک BCCI، در پاکستان که این بانک، بازار بانک را در سلطه داشته و کاملاً با مؤسسات سیاسی و اقتصادی مرتبط بوده شدید است.

در حالیکه در هنگ کنگ، که BCC هنگ کنگ ابتداً تجار هندی و تاجران کوچک (خرده تجار) چینی را بکار گرفته و کاملاً با مؤسسه تجارت هماهنگ نبوده، دولت برای نجات بانک مداخله مؤثری انجام نمی دهد.

پس سؤال سیاسی مطرح شده از سوی BCCI نه تنها اینست که آیا مؤسسات حسابرسی بین المللی می توانند مسئول حساب ملتها باشند بلکه اینست که آیا الینس

حسابداری دولتی می تواند باز مانده و به جوامع دموکراتیک حساس باشد یا نه. در مورد BCCI, فرآیندهای نظارتی منجر به تعطیلی BCCI بصورت سری بوده, با مؤسسه بانکداری غربی هماهنگ شده و کاملاً از سیاستهای دموکراتیک جدا می باشد, از اوایل سال ۱۹۹۰, حسابرسان BCCI, مشکلات و موارد مشکوک را از سپرده گذاران و عموم, آنطور که آنها پنهانی با بانک انگلیس برای بررسی میزان تقلب و عدم کنترل در گروه BCCI فعالیت می کنند, مخفی می کنند. احتمالاً, در رابطه با شهرت شهر لندن (مثل منابع مالی), ناظران انگلیسی پشت حال و هوای بی طرفی, مستقل و بی عزمی تاحدی آرمانی حسابرسی خارجی پناه گرفته و افراد را به تجارت با BCCI تشویق می کند. تحت تأثیر معاملات خصوصی, مثل ضمانتهای دولت ابوظبی, حسابرسان لطف کرده و حسابهای ۱۹۸۹ BCCI را امضاء می نمایند.

بعضی ها ممکنست اظهار دارند که چنین پنهان کاری برای جلوگیری از جریان عجلانۀ بانک لازم بوده و بعلاوه ممکنست اظهار دارند که مسئولیت سابرسان بشرطی که ناظران بانک از بی نظارتی خبردار شوند, از بین برود.

تفسیر ممکن دیگر اینست که پس از اوایل دهه ۱۹۸۰, دولت انگلیس فعالانه اقتصاد انگلیس را با تشویق افراد به باور داشتن حال و هوای بی طرفی, استقلال و بی عزمی حسابداری, تجدید ساختار می نماید. این امر در فرآیندهای مرتبط با

خصوصی سازی مؤسسات دولتی، کارهای نظارتی، ارائه حسابداری انواع تکنولوژیها برای نظارت بخش دولتی (مثل بهداشت، آموزش) و اصلاح سیستم مالیاتی (مثل خود ارزیابی) کاملاً آشکار است. در این چنین مواقعی، سؤالات مفصل در مورد تخصص و استقلال حسابرسان BCCI، توان مشکل آفرینی برای اصلاحات دولتی را دارد. دولت بجای موضوعات و حفاظت از سپرده گذار ارزش گذاری بیشتر به سیاستهای آن را انتخاب می کند. دولت انگلیس هم مفاد گزارش سنداستورم را احتمالاً بعنوان راه حفظ اطمینان در بخشهای خدمات بانکی و مالی که انتظار می رود مشاغل جدیدی را ایجاد کند مخفی می کند. برغم این توضیحات قابل قبول، چیزی وجود دارد که عمیقاً (به حساسیتهای دموکراتیک) در فرض نگران کننده است، یعنی منافع اجتماعی بیشتر با سکوت و معاملات خصوصی، پنهان کاری و فریب خیرخواهانه از سوی دولتها، بانکداران عمده و حسابرسانشان انجام می پذیرد. این سکوت انگلیسی ها را به ادامه تجارت با BCCI تشویق کرده و در زمان عمل (اوائل سال ۱۹۹۹)، سپرده گذاران هنوز قادر به بهبود کامل پس انداز هایشان نیستند.

در مورد BCCI، افراد به حسابرسی های خارجی، نه بعنوان شاخص واقعی وضعیت مالی BCCI، بلکه بعنوان مکانیسمی برای حفظ اعتماد سپرده گذاران در یک

بانک به لحاظ مالی آشفته تکیه کند. این استفاده سیالی / سمبولیک از حسابرسی و

استفراماتی دارد که آنسوی مورد BCCI گسترش می یابد.

در جامعه امروزی، حسابرسی های بانک نقش اساسی در تعیین پرداخت دیون و

کارآیی بانک بازی می کند. نظر منفی حسابرسی می تواند ادامه فعالیت بانک را

افزایش داده و حتی یک مؤسسه به لحاظ مالی باثبات را به تعطیلی بکشاند. بهمین

ترتیب، گزارش حسابرسی کامل می تواند یک بانک آشفته و با تقلب ادامه مسیر

داده را با تشویق اطمینان سرمایه گذار و دادن فرصت تجدید سرمایه / تجدید

سازمان به بانک یا احتمالاً با ایجاد خسارتهای حتی بالاتر حفظ کند. با ارائه نتایج و

عواقب انتشار گزارشات حسابرسی کامل و یا ناقص، حسابرسان به پناهگاه امن و

قانونی در مطلع ساختن مقامات بانک پیرامون بی نظمی و عدم کنترل می رسند. این

استفاده سیاسی بالقوه از حسابرسی بانک بخودی خود نقش اجتماعی بازیهای

حسابداری / حسابرسی را در اقتصاد و ضرورت نگرش به نظارت الگوی حسابداری

بین المللی را بعنوان مسئله ای سیالی بجای مسئله ای تکنیکی مورد تأکید قرار

می دهد.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoo.cn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۵۱۱ تماس حاصل نمایید

Filename: Document1
Directory:
Template: C:\Documents and Settings\hadi tahaghoghi\Application
Data\Microsoft\Templates\Normal.dotm
Title: :
Subject:
Author: MINA
Keywords:
Comments:
Creation Date: 3/18/2012 11:17:00 PM
Change Number: 1
Last Saved On:
Last Saved By: H.H
Total Editing Time: 1 Minute
Last Printed On: 3/18/2012 11:17:00 PM
As of Last Complete Printing
Number of Pages: 69
Number of Words: 10,368 (approx.)
Number of Characters: 59,099 (approx.)